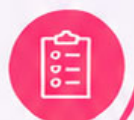


با ایران توشه
یک قدم جلوتر
باش!



ایران توشه، مرجع دانلود فایل های کمک آموزشی دانش آموزان و کنکوری ها



دانلود رایگان آزمون های آزمایشی
قلمچی، خیلی سبز، گاج و ...



دانلود رایگان گام به گام تمامی دروس



دانلود رایگان نمونه سوالات امتحانی
(نوبت اول و دوم) و امتحانات نهایی



دانلود رایگان جزوه های کمک آموزشی
و شب امتحانی

همه چیز
برای موفقیت
تو!

Google

دانلود گام به گام دوازدهم تجربی ایران توشه

دانلود گام به گام دوازدهم تجربی ایران توشه

کافیست هر فایلی که نیاز دارید
را در گوگل به این صورت جستجو کنید:

فایل مورد نیاز + ایران توشه

مثال:

دانلود گام به گام دوازدهم تجربی ایران توشه



irantooshe.ir



t.me/irantooshe





گام به گام فارسی (۳) دوازدهم

پاسخ کارگاه‌های متن‌پژوهی، درک و دریافت و پرسش‌های کتاب

پایه دوازدهم - دوره دوم متوسطه

شامل پاسخ پرسش‌های قلمرو زبانی، ادبی و فکری، درک و دریافت و فعالیت‌های کتاب

تهیه شده در ایران توشه، توشه‌ای برای موفقیت

irantooshe.ir

فهرست فصل‌ها

۴		۱ فصل یکم — ادبیات تعلیمی
۱۳		۲ فصل دوم — ادبیات پایداری
۲۲		۳ فصل سوم — ادبیات غنایی
۳۱		۴ فصل چهارم — ادبیات سفر و زندگی
۴۱		۵ فصل پنجم — ادبیات انقلاب اسلامی
۴۹		۶ فصل ششم — ادبیات حماسی
۵۹		۷ فصل هفتم — ادبیات داستانی
۶۸		۸ فصل هشتم — ادبیات جهان



گام به گام فارسی (۳) دوازدهم - فصل یکم

ادبیات تعلیمی

فهرست

۱	صفحه ۱۵۰ کارگاه متن پژوهی (قلمرو زبانی) — جدول واژه‌های معادل	۶
۲	صفحه ۱۵۰ کارگاه متن پژوهی (قلمرو زبانی) — واژه‌های هم‌آوا	۶
۳	صفحه ۱۵۰ کارگاه متن پژوهی (قلمرو زبانی) — واژه‌های مهم املائی	۶
۴	صفحه ۱۵۰ کارگاه متن پژوهی (قلمرو زبانی) — نقش ضمیر متصل	۷
۵	صفحه ۱۵۰ کارگاه متن پژوهی (قلمرو زبانی) — انواع حذف	۷
۶	صفحه ۱۶۰ کارگاه متن پژوهی (قلمرو ادبی) — نماد	۷
۷	صفحه ۱۶۰ کارگاه متن پژوهی (قلمرو ادبی) — آرایه‌های ادبی	۷
۸	صفحه ۱۶۰ کارگاه متن پژوهی (قلمرو فکری) — معنی و مفهوم عبارت‌ها	۸
۹	صفحه ۱۶۰ کارگاه متن پژوهی (قلمرو فکری) — مفهوم کلی مصراع‌ها	۸
۱۰	صفحه ۱۷۰ کارگاه متن پژوهی (قلمرو فکری) — مفهوم بیت از متن درس	۹
۱۱	صفحه ۲۰۰ کارگاه متن پژوهی (قلمرو زبانی) — معنای واژه‌ها	۹
۱۲	صفحه ۲۰۰ کارگاه متن پژوهی (قلمرو زبانی) — کاربرد معنایی فعل‌ها	۹

۱۳ صفحه ۲۰ کارگاه متن پژوهی (قلمرو ادبی) — شیوه گفت‌وگو و مناظره ۱۰

۱۴ صفحه ۲۰ کارگاه متن پژوهی (قلمرو ادبی) — شیوه بیان جد و طنز ۱۰

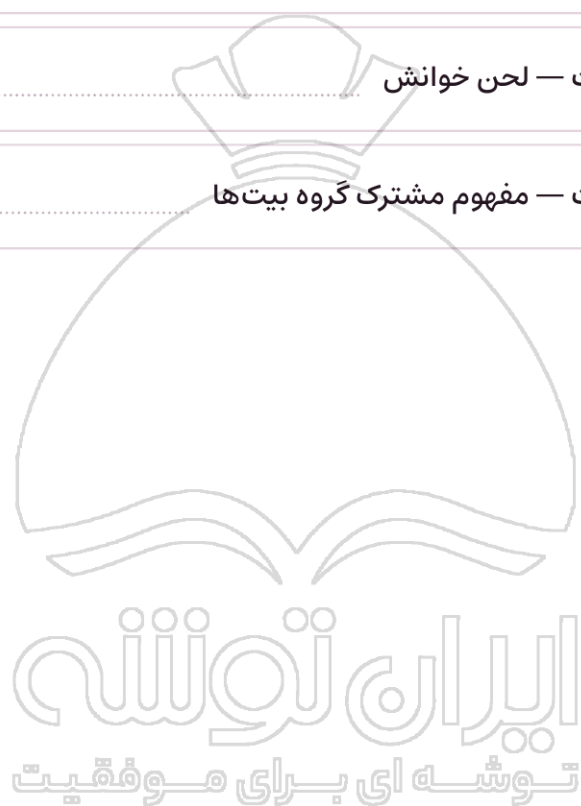
۱۵ صفحه ۲۱ کارگاه متن پژوهی (قلمرو فکری) — پدیده اجتماعی ۱۰

۱۶ صفحه ۲۱ کارگاه متن پژوهی (قلمرو فکری) — تأکید ابیات هشتم و نهم ۱۰

۱۷ صفحه ۲۱ کارگاه متن پژوهی (قلمرو فکری) — ارتباط موضوعی با ابیات ۱۱

۱۸ صفحه ۲۳ درک و دریافت — لحن خوانش ۱۱

۱۹ صفحه ۲۳ درک و دریافت — مفهوم مشترک گروه بیت‌ها ۱۱



۱

صفحه ۱۵

کارگاه متن پژوهی (قلمرو زبانی)

۱ جدول زیر را به کمک متن درس کامل کنید.

معنا — واژه معادل: دارای نشان پیامبری / شادی بخش / به خدای تعالی بازگشتن / قطع کردن مقرری

معنا	واژه معادل
دارای نشان پیامبری	نبوی (پیامبر نشان)
شادی بخش	مُفَرِّح
به خدای تعالی بازگشتن	انابت
قطع کردن مقرری	نُبرد (بریدن وظیفه)

این جواب ممکن است دقیق نباشد.

۲

صفحه ۱۵

کارگاه متن پژوهی (قلمرو زبانی)

۲ سه واژه در متن درس بیابید که هم آوای آنها در زبان فارسی وجود دارد.

- «خوان» (خوان نعمت) ← هم آوا: خان
- «قربت» (طاعتش موجب قربت است) ← هم آوا: غربت
- «صبا» (باد صبا) ← هم آوا: سبا

۳

صفحه ۱۵

کارگاه متن پژوهی (قلمرو زبانی)

۳ از متن درس برای کاربرد هر یک از حروف زیر، سه واژه مهم املایی بیابید و بنویسید.

ح (..... - -)

ق (..... - -)

ع (..... - -)

- ح: حیات - رحمت - حق
- ق: قربت - قدوم - تقصیر

۴

صفحه ۱۵

کارگاه متن‌پژوهی (قلمرو زبانی)

۴ در عبارت زیر، نقش دستوری ضمائر متصل را مشخص کنید.
بوی گلم چنان مست کرد که دامنم از دست برفت.

○ «م» در «گلم»: مفعول (بوی گل مرا مست کرد).

○ «م» در «دامنم»: مضاف الیه (دامن من).

۵

صفحه ۱۵

کارگاه متن‌پژوهی (قلمرو زبانی)

۵ در متن درس، نمونه‌ای برای کاربرد هر یک از انواع حذف (لفظی و معنایی) بیابید.

- حذف لفظی (به قرینه لفظی): «هر نفسی که فرو می‌رود ممد حیات است و چون برمی‌آید مفرح ذات [است]» — فعل «است» به قرینه جمله پیش حذف شده است.
- حذف معنایی (به قرینه معنایی): «هر نفسی دو نعمت موجود است و بر هر نعمتی شکری [واجب است]» — فعل «است» با توجه به معنای جمله حذف شده است.

این جواب ممکن است دقیق نباشد.

۶

صفحه ۱۶

کارگاه متن‌پژوهی (قلمرو ادبی)

۱ واژه‌های مشخص شده، نماد چه مفاهیمی هستند؟

ای مرغ سحر! عشق ز پروانه بیاموز / کان سوخته را جان شد و آواز نیامد

- مرغ سحر: نماد انسان‌های مدعی و ظاهربین که با سخن گفتن و ناله، عشق می‌ورزند ولی در عمل کاری نمی‌کنند.
- پروانه: نماد عاشق راستین که بی‌ادعا و خاموش، جان خود را فدای معشوق می‌کند.

۷

صفحه ۱۶

کارگاه متن‌پژوهی (قلمرو ادبی)

۲ با توجه به عبارت‌های زیر به پرسش‌ها پاسخ دهید.

باران رحمت بی حسابش همه را رسیده و خوان نعمت بی دریغش همه جا کشیده. باد صبا را گفته تا فرش
مردینش بگسترده و دایه ابر بهاری را فرموده تا بنات نبات در مهد زمین بپرورد.

الف) آرایه‌های مشترک دو عبارت را بنویسید.
ب) قسمت مشخص شده بیانگر کدام آرایه ادبی است؟

الف) تشبیه (اضافه تشبیهی: باران رحمت، خوان نعمت، فرش زمردین، دایه ابر، مهد زمین) و تشخیص (باران، باد صبا و ابر مانند انسان فرمان می‌پذیرند و کار می‌کنند). هر دو عبارت نمونه‌ای از سجع و موازنه نیز هستند (رسیده / کشیده).

ب) «بنات نبات»: جناس ناقص (بنات - نبات) و نیز استعاره (تشبیه گیاهان به دختران که در گهواره‌ای به نام زمین پرورش می‌یابند).

این جواب ممکن است دقیق نباشد.

۸

صفحه ۱۶

کارگاه متن‌پژوهی (قلمرو فکری)

۱ معنی و مفهوم عبارت‌های زیر را به نثر روان بنویسید.
- عاکفان کعبه جلالش به تقصیر عبادت معترف که: «ما عبَدناک حَقَّ عِبَادَتِک».
- یکی از صاحب‌دلان سر به جیب مراقبت فرو برده بود و در بحر مکاشفت مستغرق شده.

- کسانی که در درگاه شکوه و بزرگی خداوند به عبادت مشغول‌اند، اعتراف می‌کنند که در بندگی کوتاهی کرده‌اند و می‌گویند: «پروردگارا، آن‌گونه که شایسته تو بود، تو را نپرستیدیم» (هر چه عبادت کنیم باز حق بندگی ادا نمی‌شود).
- یکی از اهل دل سر در گریبان خود برده و غرق در اندیشه و تأمل شده بود و در دریای حالات روحانی و شهود باطنی فرو رفته بود.

۹

صفحه ۱۶

کارگاه متن‌پژوهی (قلمرو فکری)

۲ مفهوم کلی مصراع‌های مشخص شده را بنویسید.
ابر و باد و مه و خورشید و فلک در کارند / تا تو نانی به کف آری و به غفلت نخوری
چه غم دیوار امت را که دارد چون تو پشتیبان؟ / چه باک از موج بحر آن را که باشد نوح کشتیبان؟
گر کسی وصف او ز من پرسد / بی‌دل از بی‌نشان چه گوید باز؟

- همه عناصر هستی در خدمت انسان‌اند تا روزی او فراهم شود؛ پس شایسته است نعمت را با غفلت و ناسپاسی نخورد و شکرگزار باشد.
- کسی که پشتیبانی توانا و مهربان دارد از هیچ خطری نمی‌هراسد (توکل بر خدا و تکیه بر یار نیرومند).
- وصف خداوند در توان انسان نیست؛ کسی که خدا را چنان‌که باید نشناخته نمی‌تواند او را که بی‌نشان و بی‌مانند است توصیف کند.

۱۰

صفحه ۱۷

کارگاه متن پژوهی (قلمرو فکری)

۳ از کدام سطر درس، مفهوم بیت زیر قابل استنباط است؟

هیچ نقاشی نمی بیند که نقشی برکشد / وانکه دید، از حیرتش کلک از بنان افکنده ای (سعدی)

از عبارت «درختان را به خلعت نروزی قبای سبز ورق در بر گرفته و اطفال شاخ را به قدوم موسم ربیع کلاه شکوفه بر سر نهاده»؛ همچنین «باد صبا را گفته تا فرش زمردینش بگسترده...». مفهوم مشترک: زیبایی و هنرنمایی بی مانند خداوند در آفرینش طبیعت که هیچ نقاشی توان همانندی آن را ندارد.

این جواب ممکن است دقیق نباشد.

۱۱

صفحه ۲۰

کارگاه متن پژوهی (قلمرو زبانی)

۱ معنای واژه های مشخص شده را بنویسید.

گر بدین حال تو را محتسب اندر بازار بیند، بگیرد و حد زند. (خواجه نظام الملک طوسی)
از بهر تو صدبار ملامت بکشم / گر بشکنم این عهد، غرامت بکشم (مولوی)

- محتسب: مأمور نظارت بر بازار و اجرای احکام شرعی و اخلاقی در شهر
- حد: کیفر و مجازات شرعی
- ملامت: سرزنش
- غرامت: تاوان و جریمه

۱۲

صفحه ۲۰

کارگاه متن پژوهی (قلمرو زبانی)

۲ فعل های مشخص شده را از نظر کاربرد معنایی بررسی کنید.

گفت: «نزد یک است والی را سرای، آنجا شویم» / گفت: «والی از کجا در خانه خمار نیست؟»
زاهد ظاهرپرست از حال ما آگاه نیست / در حق ما هرچه گوید جای هیچ اکراه نیست (حافظ)
ریشه های ما به آب / شاخه های ما به آفتاب می رسد / ما دوباره سبز می شویم (قیصر امین پور)

- «شویم»: در معنای «برویم» به کار رفته است (فعل «شدن» به معنای رفتن).
- «نیست؟»: استفهام انکاری است؛ پرسش برای دریافت پاسخ نیست و مقصود انکار و نفی است.
- «نیست» در بیت حافظ: در مصراع اول فعل اسنادی است (آگاه نیست)؛ در مصراع دوم به معنای «وجود ندارد» است (فعل غیراسنادی).

- «می‌رسد» و «می‌شویم»: مضارع اخباری است ولی معنای آینده (امید و قطعیت وقوع) دارد.

این جواب ممکن است دقیق نباشد.

۱۳

صفحه ۲۰

کارگاه متن‌پژوهی (قلمرو ادبی)

۱ سروده‌ی زیر را از نظر شیوهٔ گفت‌وگو، با متن درس مقایسه کنید؛ سپس بنویسید این نوع گفت‌وگو در اصطلاح ادبی چه نام دارد؟
نخستین بار گفتش کز کجایی؟ / بگفت از دار ملک آشنایی ... (خسرو و فرهاد، نظامی)

در هر دو شعر گفت‌وگو به صورت پرسش و پاسخ میان دو نفر (خسرو و فرهاد؛ محتسب و مست) است و گفته‌های هر دو طرف با «گفت / بگفت» آغاز می‌شود و پاسخ‌ها کوتاه، تند و حاضر جوابانه است. در هر دو، یکی از طرفین با استدلال و حاضر جوابی طرف مقابل را ناتوان می‌کند. این نوع گفت‌وگو در اصطلاح ادبی «مناظره» نام دارد.

۱۴

صفحه ۲۰

کارگاه متن‌پژوهی (قلمرو ادبی)

۲ متن درس از نظر شیوهٔ بیان (جد - طنز) با این سروده‌ی حافظ چه وجه اشتراکی دارد؟
با محتسبم عیب مگویند که او نیز / پیوسته چو ما در طلب عیش مدام است

هر دو با زبان طنز، ریاکاری مأموران و مدعیان پارسایی را نقد می‌کنند؛ محتسب که باید مردم را از می‌خوارگی بازدارد، خود اهل عیش و نوش است. بیان در ظاهر شوخ و در باطن جدی است و هدف، انتقاد اجتماعی است.

۱۵

صفحه ۲۱

کارگاه متن‌پژوهی (قلمرو فکری)

۱ هر یک از مصراع‌های زیر، به کدام پدیدهٔ اجتماعی زمان شاعر اشاره دارد؟
گفت: «دیناری بده پنهان و خود را وا رهان» (.....)
گفت: «جرم راه رفتن نیست، ره هموار نیست» (.....)

- رشوه‌خواری مأموران حکومتی
○ بی‌توجهی حکومت به وظایف خود (خرابی راه‌ها) و بهانه‌جویی و ناحق‌گیری از مردم

۱۶

صفحه ۲۱

کارگاه متن‌پژوهی (قلمرو فکری)

۲ در هر یک از بیت‌های زیر، بر چه موضوعی تأکید شده است؟

- بیت هشتم: مأمور قانون خود بی قانونی می‌کند و بی دلیل و بیش از حد، مردم را می‌آزارد (سخت‌گیری و زورگویی).
- بیت نهم: مست با زبان طنز نشان می‌دهد که مردم ناتوان‌اند و محتسب به جای تقوا و عدالت، دنبال سودجویی است.

این جواب ممکن است دقیق نباشد.

۱۷

صفحه ۲۱

کارگاه متن‌پژوهی (قلمرو فکری)

۳ درباره ارتباط موضوعی متن درس با هر یک از بیت‌های زیر توضیح دهید.
 دور شو از برم ای واعظ و بیهوده مگوی / من نه آنم که دگر گوش به تزویر کنم (حافظ)
 گفت مست: «ای محتسب، بگذار و رو / از برهنه کی توان بردن گرو؟» (مولوی)

- بیت حافظ: شاعر ریاکاری و فریب واعظان را نمی‌پذیرد؛ در درس نیز مست، تزویر و ریاکاری محتسب را برملا می‌کند و گول سخنان او را نمی‌خورد.
- بیت مولوی: همان‌طور که از برهنه نمی‌توان گرو گرفت، مست درس نیز چیزی ندارد که محتسب بستاند؛ هر دو به فقر مردم و بی‌انصافی مأموران در گرفتن مال از آنان اشاره دارند.

۱۸

صفحه ۲۳

درک و دریافت

۱ برای خوانش این شعر، چه نوع آهنگ و لحنی را برمی‌گزینید؟ دلیل خود را بنویسید.

لحنی آرام، متین و پندآمیز با آهنگی شمرده و همراه با تأکید بر پیام‌ها؛ زیرا شعر سرشار از اندرز و راهنمایی (خطاب «ای پسر، بکوش») درباره پیمودن راه عشق و معرفت است و این مضمون به آهنگ استوار و دلسوزانه نیاز دارد.

۱۹

صفحه ۲۳

درک و دریافت

۲ مفهوم مشترک هر یک از گروه‌بیت‌های زیر را بیان کنید.
 الف) بیت‌های سوم و پنجم (.....)

ب) بیت‌های ششم و نهم (.....)

- الف) رسیدن به حقیقت و دستیابی به معرفت، نیازمند همراهی و پیروی از راهنمای آگاه و پیمودن راه با تلاش و شور عشق است.
- ب) در راه وصال حق باید از خود گذشت و با صبر و پایداری در طلب بود؛ بدون رنج و تحمل سختی نمی‌توان به مقصود رسید.

این جواب ممکن است دقیق نباشد.



گام به گام فارسی (۳) دوازدهم - فصل دوم

ادبیات پایداری

فهرست

۲۰	صفحه ۲۸۰ کارگاه متن پژوهی — قلمرو زبانی ۱ - معنای واژه‌ی «همت»	۱۵
۲۱	صفحه ۲۸۰ کارگاه متن پژوهی — قلمرو زبانی ۲ - حذف	۱۵
۲۲	صفحه ۲۸۰ کارگاه متن پژوهی — قلمرو ادبی ۱ - مجاز	۱۵
۲۳	صفحه ۲۸۰ کارگاه متن پژوهی — قلمرو ادبی ۲ - تلمیح و کنایه	۱۶
۲۴	صفحه ۲۸۰ کارگاه متن پژوهی — قلمرو فکری ۱ - معنی بیت‌ها	۱۶
۲۵	صفحه ۲۹۰ کارگاه متن پژوهی — قلمرو فکری ۲ - مقصود از عبارت‌ها	۱۶
۲۶	صفحه ۲۹۰ کارگاه متن پژوهی — قلمرو فکری ۳ - غزل اجتماعی	۱۷
۲۷	صفحه ۲۹۰ کارگاه متن پژوهی — قلمرو فکری ۴ - ویژگی فرخی	۱۷
۲۸	صفحه ۲۹۰ کارگاه متن پژوهی — قلمرو فکری ۵ - مضمون مشترک	۱۸
۲۹	صفحه ۳۸۰ کارگاه متن پژوهی — قلمرو زبانی ۱ - معادل معنایی واژه‌ها	۱۸
۳۰	صفحه ۳۸۰ کارگاه متن پژوهی — قلمرو زبانی ۲ - ترکیب‌های وصفی	۱۸
۳۱	صفحه ۳۸۰ کارگاه متن پژوهی — قلمرو زبانی ۳ - ترکیب‌های اضافی	۱۸

۳۲ صفحه ۳۸۰ کارگاه متن پژوهی — قلمرو ادبی ۱ - حسن تعلیل ۱۹

۳۳ صفحه ۳۸۰ کارگاه متن پژوهی — قلمرو ادبی ۲ - استعاره ۱۹

۳۴ صفحه ۳۸۰ کارگاه متن پژوهی — قلمرو ادبی ۳ - مقایسه‌ی قالب ۲۰

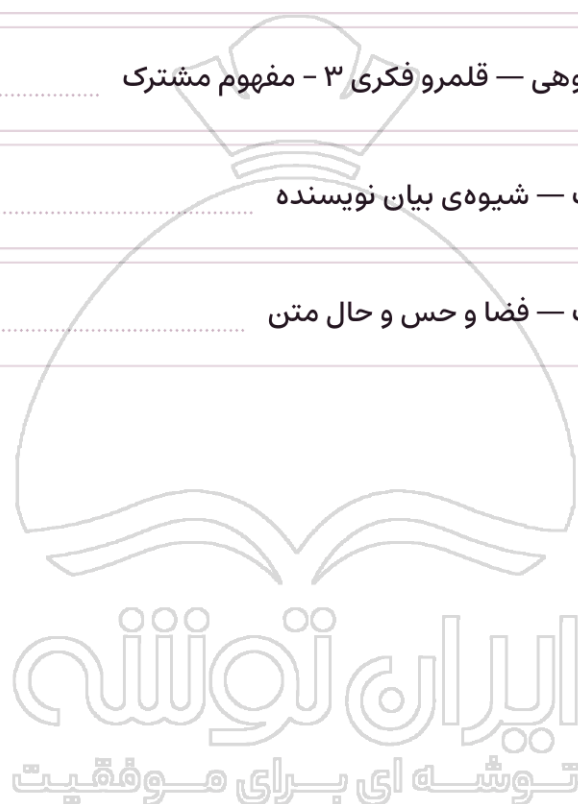
۳۵ صفحه ۳۹۰ کارگاه متن پژوهی — قلمرو فکری ۱ - دماوند و سوخته‌جان ۲۰

۳۶ صفحه ۳۹۰ کارگاه متن پژوهی — قلمرو فکری ۲ - معنی بیت ۲۰

۳۷ صفحه ۳۹۰ کارگاه متن پژوهی — قلمرو فکری ۳ - مفهوم مشترک ۲۱

۳۸ صفحه ۴۵۰ درک و دریافت — شیوه‌ی بیان نویسنده ۲۱

۳۹ صفحه ۴۵۰ درک و دریافت — فضا و حس و حال متن ۲۱



۱ معنای واژه‌ی «همت» را در بیت‌های زیر بررسی کنید.

الف) هم مور تواند که سلیمان شود / همت اگر سلسله‌جنبان شود (وحشی بافقی)
ب) همتم بدرقه‌ی راه کن ای طایر قدس / که دراز است ره مقصد و من نو سفرم (حافظ)

الف) «همت» در این بیت به معنی «اراده‌ی قوی، تلاش و بلندنظری» است؛ یعنی اگر اراده و تلاش آغازگر کار شود، حتی مورچه‌ای ناتوان نیز می‌تواند به مقام والا و بزرگی (سلیمان) برسد.

ب) «همت» در این بیت به معنی «توجه، عنایت و یاری (نیروی معنوی)» است؛ شاعر از مرغ قدسی (فرشته‌ی راهنما) می‌خواهد با توجه و یاری خود او را در این راه دور و دراز همراهی کند.

۲ در کدام بیت‌ها، یکی از اجزای جمله حذف شده است؟ نوع حذف را مشخص کنید.

در بیت «ب» نشانه‌ی مفعولی «را» حذف شده است: «همتت را بدرقه‌ی راه من کن» (همتم بدرقه‌ی راه کن)؛ این حذف از نوع حذف به قرینه‌ی معنوی است.

در بیت «الف» نیز فعل مصراع دوم «تواند» برای «مور» به شکل کوتاه‌شده آمده و ضمیر / فعل «می» در آن حذف شده است (مور هم می‌تواند...).

این جواب ممکن است دقیق نباشد.

۱ کدام یک از ترکیب‌ها و واژه‌های مشخص‌شده، مفهوم مجازی دارند؟ دلایل خود را بنویسید.

الف) ناله‌ی مرغ اسیر این همه بهر وطن است / مرغ گرفتار قفس، هم مسلک من است
ب) نشاط غربت از دل کی برد حب وطن بیرون / به تخت مصرم اما جای در بیت‌الحنن دارم (صائب تبریزی)
پ) در بیت‌الاحزان درآمد و نالید؛ چنان‌که هر پرنده بر بالای سر یعقوب بود، بنالید. (قصص الانبیا)

- «قفس» در بیت «الف»: مجاز از «زندانی و فضای اختناق و استبداد» است (علاقه‌ی محلیت)؛ زیرا شاعر منظور خود مکان قفس نیست، بلکه بند آزادی‌خواهان را می‌گوید.
- «تخت مصر» در بیت «ب»: مجاز از «حکومت و قدرت و نعمت» است (علاقه‌ی محلیت)؛ نه خود تخت.
- «بیت‌الحنن / بیت‌الاحزان» در بیت «ب» و «پ»: به معنی غم‌خانه است و در بیت «ب» مجاز از «غربت و دوری از وطن (حالت اندوه)» به کار رفته؛ در متن «پ» به معنی حقیقی خانه‌ی اندوه یعقوب است و مجاز نیست.

۲ با توجه به بیت‌های زیر، به پرسش‌ها پاسخ دهید.
با آنکه جیب و جام من از مال و می تهی است / ما را فراغتی است که جمشید جم نداشت
هر ملتی که مردم صاحب‌قلم نداشت / در دفتر زمانه فتد نامش از قلم
الف) درباره‌ی تلمیح به‌کار رفته در بیت اول توضیح دهید.
ب) مصراع‌های مشخص‌شده را با توجه به آرایه‌ی «کنایه» بررسی کنید.

الف) «جام جم» اشاره به داستان جمشید، پادشاه افسانه‌ای ایران است که جامی جهان‌نما داشت و با آن از همه‌ی رازهای جهان آگاه می‌شد. شاعر می‌گوید: با اینکه دستم از مال و باده تهی است، آسودگی خاطری دارم که جمشید با آن همه شکوه و جام جهان‌نما نداشت.
ب) «جیب و جام من از مال و می تهی است» کنایه از «فقر و تهی‌دست بودن» است؛ «نامش از قلم فتد» کنایه از «از یادها رفتن، فراموش شدن و بی‌نام و نشان ماندن» است.

این جواب ممکن است دقیق نباشد.

۱ شعر «آزادی»، نمونه‌ای از اشعار وطنی عارف قزوینی است که به سلطه‌ی بیگانگان و بیدادگری محمدعلی‌شاه اشاره دارد؛ با توجه به این نکته معنی و مفهوم بیت‌های زیر را بنویسید.
آن کسی را که در این ملک سلیمان کردیم / ملت امروز یقین کرد که او اهرمن است
خانه‌ای کاو شود از دست اجانب آباد / ... آن خانه که بیت‌ال‌حزن است

بیت اول: کسی را (محمدعلی‌شاه) که در این کشور مانند سلیمان (پادشاهی عادل و بزرگ) پنداشتیم و بر تخت نشاندیم، مردم امروز به‌خوبی دریافتند که او اهریمنی ستم‌گر و دشمن مردم است. مفهوم: پشیمانی از اعتماد به شاه مستبد و آگاهی ملت از ستم‌گری او.
بیت دوم: خانه‌ای (کشوری) که به دست بیگانگان آباد شود، در حقیقت غم‌خانه است و باید آن را ویران کرد؛ آبادانی به دست بیگانگان ارزشی ندارد. مفهوم: لزوم بیزاری از سلطه‌ی بیگانگان و حفظ استقلال وطن.

این جواب ممکن است دقیق نباشد.

۲ در متن درس، مقصود از موارد زیر چیست؟

الف) دوست و همراهی که به آزادی و رهایی نزدیک است و در مسیر آزادی و بهار وطن گام برمی‌دارد؛ یعنی مبارزان آزادی‌خواهی که خود را به آزادی رسانده‌اند.

این جواب ممکن است دقیق نباشد.

ب) نویسندگان، شاعران، روزنامه‌نگاران و اندیشمندانی که با قلم خود از حقیقت و آزادی دفاع می‌کنند و در بیداری ملت نقش دارند.

کارگاه متن‌پژوهی

صفحه ۲۹

۲۶

۳ به غزل‌هایی که محتوای آن‌ها بیشتر مسائل سیاسی و اجتماعی است، غزل اجتماعی می‌گویند؛ در عصر مشروطه با توجه به دگرگونی‌های سیاسی و اجتماعی، این نوع غزل رواج یافت؛ در سروده‌های شاعرانی چون محمدتقی بهار، عارف قزوینی و فرخی یزدی می‌توان نمونه‌های آن را یافت. از این دیدگاه، متن درس را تحلیل و بررسی کنید.

هر دو شعر درس («آزادی» از عارف و غزل فرخی) غزل اجتماعی‌اند؛ زیرا به جای مضمون‌های عاشقانه و عرفانی، به مسائل روز جامعه پرداخته‌اند:

- مضمون: وطن‌دوستی، آزادی‌خواهی، مبارزه با استبداد داخلی (محمدعلی‌شاه) و سلطه‌ی بیگانگان، ایثار جان در راه وطن و ارزش قلم و آگاهی مردم.
- زبان: ساده، روشن و نزدیک به زبان مردم تا همه آن را بفهمند؛ لحن شعر حماسی و پرشور است.
- قالب و ساختار: قالب غزل حفظ شده است، اما محتوای آن دگرگون شده و به ابزاری برای بیدار کردن مردم تبدیل شده است.
- مفهوم‌های تازه: آزادی، وطن، ملت، استقلال، عدالت و قانون که حاصل جنبش مشروطه‌اند.

کارگاه متن‌پژوهی

صفحه ۲۹

۲۷

۴ فرخی یزدی، در بیت آخر، خود را با کدام ویژگی معرفی می‌کند؟

فرخی در بیت آخر خود را انسانی عدالت‌خواه و پایبند به انصاف و آزادی معرفی می‌کند که با وجود فقر و تنگ‌دستی، در برابر ستم و بی‌عدالتی ایستاده و همراه مردم و هم‌صدا با حق است.

این جواب ممکن است دقیق نباشد.

۵ با توجه به ادبیات پایداری، مضمون مشترک ابیات زیر را بنویسید.
 جامه‌ای کاو نشود غرق به خون بهر وطن / در آن جامه که ننگ تن و کم از کفن است (عارف قزوینی)
 فرخی ز جان و دل می‌کند در این محفل / نثار استقلال، جان فدای آزادی (فرخی یزدی)

مضمون مشترک: **جان‌فشانی و ایثار در راه وطن، آزادی و استقلال.** عارف می‌گوید لباسی که در راه وطن به خون آغشته نشود ننگ است و از کفن هم کم‌ارزش‌تر؛ فرخی نیز جان و دل خود را فدای استقلال و آزادی کشور می‌کند.

۱ معادل معنایی واژه‌های مشخص‌شده را در متن درس بیابید.
 ملک، عطا داد کردگار تو را / سریرم به جای خویش دهد هر چه کردگار دهد (ظهیرالدین فاریابی)
 یا که محتاج فرومایه شود، مرد کریم / دردناک است که در دام شغال افتد شیر (شهریار)

- «فرومایه» (بیت شهریار) = «سغله» (در بیت: «زین بی‌خردان سغله بستان»).
- «کردگار» = «ایزد / آفریدگار» و «سریر» = «تخت»؛ برابره‌ای این واژه‌ها در شعر درس آمده‌اند.

این جواب ممکن است دقیق نباشد.

۲ از متن درس، چهار ترکیب وصفی که اهمیت املائی داشته باشند، بیابید و بنویسید.

۱. دیو سپید ○
 ۲. قلب فسرده ○
 ۳. اساس تزویر (در متن: تزویر ...) ○
 ۴. مردم خردمند ○
- املائی این ترکیب‌ها اهمیت دارد: «سپید» (پ)، «فسرده» (س)، «خردمند» (خرد) و...

این جواب ممکن است دقیق نباشد.

۳ در بیت‌های زیر، ترکیب‌های اضافی را مشخص کنید.

الف) تو مشّت درشت روزگاری / از گردشِ قرن‌ها پس‌افکند
ب) زین بی‌خردان سغله بستان / داد دل مردم خردمند

الف) مشّتِ روزگار، گردشِ قرن‌ها (و «مشّت درشت» ترکیب وصفی است).
ب) دادِ دل، دلِ مردم (و «بی‌خردان سغله» و «مردم خردمند» ترکیب وصفی‌اند).

این جواب ممکن است دقیق نباشد.

کارگاه متن‌پژوهی

صفحه ۳۸

۳۲

۱ در کدام بیت‌ها آرایه‌ی «حسن تعلیل» به کار رفته است؟ دلیل خود را بنویسید.

در بیت «تو قلب فسرده‌ی زمینی / از درد، ورم نموده یک چند»: شاعر برای برآمدگی کوه دماوند علتی شاعرانه و غیرواقعی آورده است؛ می‌گوید کوه، قلب فسرده‌ی زمین است که از درد ورم کرده، در حالی که علت واقعی، فرایندهای زمین‌شناسی است.

این جواب ممکن است دقیق نباشد.

کارگاه متن‌پژوهی

صفحه ۳۸

۳۳

۲ در بیت‌های زیر، استعاره‌ها را مشخص کنید و مفهوم هر یک را بنویسید.
از سیم به سر یکی کله‌خود / وز آهن بر میان یکی کمربند
پنهان مکن آتش درون را / زین سوخته‌جان شنو یکی پند

- «کله‌خود از سیم»: استعاره از برف سفید و درخشان بر قله‌ی دماوند.
- «کمربند آهن»: استعاره از صخره‌ها یا ابرهای تیره و استوار بر میانه‌ی کوه.
- «آتش درون»: استعاره از خشم، اندوه و درد نهفته (و نیز آتش درون آشفشان).
- «سوخته‌جان»: استعاره از شاعر (بهار) که از درد وطن سوخته است.

این جواب ممکن است دقیق نباشد.

۳ شعرهای «دماوندیه» و «مست و هشیار» را از نظر قالب مقایسه کنید.

- «دماوندیه» (بهار) قصیده است: ۱) بیت‌های آن در یک وزن‌اند و قافیه‌ی هر بیت در مصراع‌های زوج تکرار می‌شود (مصراع اول بیت اول هم‌قافیه است)؛ ۲) سرایش درباره‌ی مضمونی واحد با لحن بلند و سخن شاعر با دماوند.
- «مست و هشیار» (پروین اعتصامی) مثنوی است: هر بیت قافیه‌ی جداگانه دارد (مصراع‌های هر بیت هم‌قافیه‌اند: aa bb cc) و به شکل مناظره‌ی کوتاه میان محتسب و مست است.
- تفاوت: قافیه‌ی قصیده در همه‌ی بیت‌ها یکی است، اما مثنوی در هر بیت قافیه‌ی تازه دارد و برای داستان و مناظره مناسب‌تر است.

- ۱ محمدتقی بهار شعر دماوندیه را در سال ۱۳۰۱ هجری شمسی سرود. در این سال به تحریک بیگانگان، هرج و مرج قلمی و اجتماعی و هتاک‌ها در مطبوعات و آزار وطن‌خواهان و سستی کار دولت مرکزی بروز کرده بود. بهار این قصیده را با تأثیرپذیری از این معانی گفته است؛ با توجه به این نکته، به پرسش‌های زیر پاسخ دهید.
- الف) مقصود شاعر از «دماوند» و «سوخته‌جان» چیست؟
- ب) چرا شاعر خطاب به «دماوند» چنین می‌گوید؟ «تو قلب فسرده‌ی زمینی / از درد، ورم نموده یک چند»

الف) «دماوند» نماد ایران و مردم صبور و خاموش آن (کوه آتشفشانی که آتش درونش نهفته است) است؛ «سوخته‌جان» خود شاعر است که از درد وطن و ستمی که بر مردم می‌رود، می‌سوزد.

ب) چون دماوند آتشفشانی خاموش است و شاعر آن را به ایرانی تشبیه می‌کند که از ظلم و ناامنی دل‌فسرده و متورم از درد شده، اما همچنان ساکت مانده است؛ شاعر می‌خواهد با این خطاب او را به خروش و قیام برانگیزد.

این جواب ممکن است دقیق نباشد.

- ۲ معنی و مفهوم بیت زیر را به نثر روان بنویسید.
- بفکن ز پی این اساس تزویر / بگسل ز هم این نژاد و پیوند

ای دماوند! بنیاد این نیرنگ و ریاکاری را از پایه برکن و این خویشاوندی و پیوند (ستم‌گران و فریب‌کاران) را از هم بگسل. مفهوم: خواست نابودی ظلم و فریب در جامعه.

کارگاه متن پژوهی

صفحه ۳۹

۳۷

۳ مفهوم مشترک سروده‌های زیر را بنویسید.

شو منفجر ای دل زمانه / وان آتش خود نهفته میسند (بهار)

ای دل خموشی چرا؟ چو خم نجوشی چرا؟ / برون شد از پرده راز، تو پرده‌پوشی چرا؟ (عارف قزوینی)

مفهوم مشترک: فراخوان به خروش و قیام و ترک سکوت و خاموشی در برابر ستم؛ هر دو شاعر مخاطب خود را به جوشیدن، فریاد کشیدن و آشکار کردن درد نهفته برمی‌انگیزند.

درک و دریافت

صفحه ۴۵

۳۸

۱ درباره‌ی شیوه‌ی بیان نویسنده توضیح دهید.

- روایت داستانی و خاطره‌گونه از زبان یکی از رزمندگان (راوی اول شخص) است.
- زبان ساده، گفت‌وگومحور و محاوره‌ای است؛ از تعبیرهای عامیانه و ضرب‌المثل مانند «کاچی به از هیچی» بهره برده است.
- نثر طنزآمیز و پر از شوخی (مانند گفت‌وگوی احمدرضا با الاغ) است که در همان حال جدی‌ترین موضوع، یعنی جنگ را به تصویر می‌کشد.
- پایان داستان غیرمنتظره (لو رفتن راز و فریب خوردن دشمن) و کار با شگفتی و طنز همراه است.

درک و دریافت

صفحه ۴۵

۳۹

۲ درباره‌ی فضا و حس و حال حاکم بر این متن به اختصار بنویسید.

فضای متن شاد و طنزآمیز است، اما با دلهره و اضطراب جبهه آمیخته شده است. صمیمیت رزمندگان، ایمان و توکل حاجی، ترس از لو رفتن هنگام عرعر الاغ و در پایان خنده‌ی بلند همه از ته دل، حس و حال داستان را می‌سازد؛ حس مقاومت و ابتکار رزمندگان که حتی اشتباه ظاهری آنان را به پیروزی تبدیل می‌کند.

گام به گام فارسی (۳) دوازدهم - فصل سوم

ادبیات غنایی

فهرست

۴۰	صفحه ۵۰ · قلمرو زبانی — معنای واژه «دستور»	۲۴
۴۱	صفحه ۵۰ · قلمرو زبانی — دیرشدن روز و بیگاه شدن	۲۴
۴۲	صفحه ۵۰ · قلمرو زبانی — نقش دستوری گروه‌های اسمی	۲۴
۴۳	صفحه ۵۰ · قلمرو ادبی — جناس همسان (تام)	۲۵
۴۴	صفحه ۵۱ · قلمرو ادبی — اسلوب معادله در ابیات درس	۲۵
۴۵	صفحه ۵۱ · قلمرو فکری — نی و نیستان	۲۶
۴۶	صفحه ۵۱ · قلمرو فکری — کلّ شیء یرجع الی أصله	۲۶
۴۷	صفحه ۵۲ · قلمرو فکری — مفاهیم ابیات حافظ	۲۶
۴۸	صفحه ۵۲ · قلمرو فکری — جدول مفاهیم ابیات	۲۶
۴۹	صفحه ۵۶ · قلمرو زبانی — معادل معنایی واژه‌ها	۲۷
۵۰	صفحه ۵۶ · قلمرو زبانی — واژه‌های مهم املائی	۲۷
۵۱	صفحه ۵۶ · قلمرو زبانی — مسند در جمله‌ها	۲۸

۵۲ صفحه ۵۷ · قلمرو ادبی — نماد پروانه ۲۸

۵۳ صفحه ۵۸ · قلمرو ادبی — آرایه‌های کنایه، تشبیه و سجع ۲۸

۵۴ صفحه ۵۸ · قلمرو فکری — شرط رسیدن به عالم عشق ۲۹

۵۵ صفحه ۵۸ · قلمرو فکری — درک و دریافت از عبارتها ۲۹

۵۶ صفحه ۵۸ · قلمرو فکری — ارتباط معنایی ابیات با متن ۲۹

۵۷ صفحه ۵۹ · درک و دریافت — مقایسهٔ لحن و آهنگ با درس ششم ۳۰

۵۸ صفحه ۵۹ · درک و دریافت — تأثیر از شاعر پیشین ۳۰



معنای واژه «دستور» را در بیت‌های زیر مشخص کنید.

چه نیکو گفت با جمشید دستور / که با نادان نه شیون باد و نه سور (فخرالدین اسعد گرگانی)
گر ایدونک دستور باشد کنون / بگوید سخن پیش تو رهنمون (فردوسی)

- بیت اول: «دستور» به معنای «وزیر و مشاور» پادشاه است (دستور جمشید)؛ یعنی وزیر به جمشید گفت.
- بیت دوم: «دستور» به معنای «اجازه و رخصت» است؛ یعنی اگر اجازه باشد، راهنما اکنون پیش تو سخن بگوید.

این جواب ممکن است دقیق نباشد.

با توجه به دو بیت زیر از مولوی، آیا می‌توان «دیرشدن روز» و «بیگاه شدن» را معادل معنایی یکدیگر دانست؟ دلیل خود را بنویسید.

مکر او معکوس و او سرزیر شد / روزگارش برد و روزش دیر شد
بیگاه شد بیگاه شد، خورشید اندر چاه شد / خورشید جان عاشقان در خلوت الله شد

تا حدی می‌توان آن‌ها را هم‌معنا دانست، ولی معادل کامل نیستند. «روزش دیر شد» یعنی وقت گذشت و فرصت از دست رفت و کار از کار گذشت؛ این تعبیر معنای کنایی دارد و درباره کسی است که فرصتش را تباه کرده است. «بیگاه شد» یعنی هنگام غروب و پایان روز فرا رسید و با «خورشید اندر چاه شد» (غروب خورشید) همراه است. هر دو به نزدیک‌شدن پایان روز و تنگی وقت اشاره دارند، اما اولی بر از دست رفتن فرصت و دومی بر رسیدن شامگاه تأکید دارد؛ پس کاملاً معادل نیستند.

این جواب ممکن است دقیق نباشد.

نقش دستوری گروه‌های اسمی مشخص شده در بیت زیر را بنویسید.

هرکسی از ظن خود شد یار من / و از درون من نجست اسرار من

- هرکسی: نهاد
- ظن خود: متمم (متمم فعل «شد» با حرف اضافه «از»)
- یار من: مسند
- درون من: متمم (متمم فعل «نجست» با حرف اضافه «از»)

این جواب ممکن است دقیق نباشد.

۴۳

صفحه ۵۰

قلمرو ادبی

بیت‌های زیر را از نظر کاربرد آرایهٔ جناس همسان (تام) بررسی کنید.
الف) آتش است این بانگ نای و نیست باد / هر که این آتش ندارد نیست باد
ب) نی، حریف هر که از یاری بُرید / پرده‌هایش پرده‌های ما دَرید

- الف) «نیست» در مصراع اول به معنای «وجود ندارد» (فعل) و «نیست» در مصراع دوم در ترکیب «نیست باد» به معنای «نابود» است. دو واژه از نظر نوشتار و تلفظ یکسان و از نظر معنا متفاوت‌اند؛ پس جناس تام دارند.
- ب) «پرده‌ها» نخست به معنای «نغمه‌ها و پرده‌های موسیقی (صداها ی نی)» و دوم به معنای «حجاب‌ها و پوشش‌های راز» است؛ پس بین این دو واژه جناس تام وجود دارد.

۴۴

صفحه ۵۱

قلمرو ادبی

به بیت زیر توجه کنید:

مستمع، صاحب سخن را بر سر کار آورد / غنچهٔ خاموش، بلبل را به گفتار آورد (صائب تبریزی)
در این بیت، مصراع دوم در حکم مصداقی برای مصراع اول است؛ به گونه‌ای که می‌توان جای دو مصراع را عوض کرد؛ در واقع شاعر، بر پایهٔ تشبیه، بین دو مصراع ارتباط معنایی برقرار کرده است؛ به این نوع کاربرد شاعرانه «اسلوب معادله» می‌گویند.
توجه: در اسلوب معادله، هر یک از دو مصراع، استقلال معنایی و نحوی دارند؛ به گونه‌ای که یکی از طرفین، معادل و مصداقی برای تأیید مفهوم طرف دیگر است.
در کدام بیت درس، شاعر از «اسلوب معادله» بهره گرفته است؟ دلیل خود را بنویسید.

بیت «محرم این هوش جز بی‌هوش نیست / مر زبان را مشتری جز گوش نیست» اسلوب معادله دارد. هر مصراع جمله‌ای مستقل و کامل است و جای دو مصراع را می‌توان عوض کرد. مصراع دوم (خریدار سخن فقط گوش است) مصداقی برای مفهوم مصراع اول است (راز عشق را فقط عاشق بی‌خود درمی‌یابد)؛ یعنی هر سخنی شنونده هم‌سنخ خود را می‌خواهد. هیچ ادات تشبیهی هم میان دو مصراع نیامده است.

این جواب ممکن است دقیق نباشد.

مقصود مولوی، از «نی» و «نیستان» چیست؟

«نی» نماد انسان کامل و عاشق حقیقی (جان آدمی) است که از اصل خود جدا افتاده و از درد جدایی می‌نالند؛ «نیستان» نماد عالم معنا و جایگاه اصلی روح، یعنی عالم ملکوت و حق تعالی است.

کدام بیت، به این سخن مشهور: «كُلُّ شَيْءٍ يَزِجُ إِلَى أَصْلِهِ» (هر چیزی سرانجام به اصل و ریشه خود باز می‌گردد.) اشاره دارد؟

بیت «هر کسی کو دور ماند از اصل خویش / باز جوید روزگار وصل خویش» به این سخن اشاره دارد؛ زیرا هر که از اصل خود دور مانده باشد، همواره در آرزوی بازگشت و وصال به آن است.

حافظ، در هریک از بیت‌های زیر، بر چه مفاهیمی تأکید دارد؟ بیت‌های معادل این مفاهیم را از متن درس بیابید.

الف) در ره عشق نشد کس به یقین محرم راز / هر کسی بر حسب فکر گمانی دارد
ب) زمانه گر بزند آتشم به خرمن عمر / بگو بسوز که بر من به برگ گاهی نیست

- الف) مفهوم: ناتوانی انسان از شناخت یقینی راز عشق و تفاوت برداشت‌ها؛ هر کس به اندازه فهم خود از آن بهره می‌برد. بیت معادل: «هرکسی از ظن خود شد یار من / و از درون من نجست اسرار من».
- ب) مفهوم: بی‌اعتنایی و بی‌نیازی عاشق نسبت به آسیب‌های دنیا و فنا شدن عمر؛ عاشق از نابودی چیزی نمی‌ترسد. بیت معادل: «هر که را جامه ز عشقی چاک شد / او ز حرص و عیب کلی پاک شد».

این جواب ممکن است دقیق نباشد.

جدول زیر را با توجه به مفاهیم ابیات درس کامل کنید.

دشوار و پرخطر بودن راه عشق: شماره بیت

بیت هفتم: مفهوم

اشتیاق پایان‌ناپذیر عاشق: شماره بیت

نقش ظرفیت وجودی افراد در تأثیرپذیری از عشق: شماره بیت

مفهوم	شماره بیت
دشوار و پرخطر بودن راه عشق	سیزدهم (نی حدیث راه پرخون می‌کند)
ناشناخته ماندن راز درونی عاشق برای ظاهربینان (سرّ من از ناله‌ام دور نیست، اما چشم و گوش را آن نور نیست)	هفتم
اشتیاق پایان‌ناپذیر عاشق (سینه‌ای شرحه‌شرحه از فراق برای بازگفتن درد اشتیاق)	سوم
نقش ظرفیت وجودی افراد در تأثیرپذیری از عشق	ششم
آتش عشق عامل ناله‌ی و جوشش درونی عاشق است	دهم

این جواب ممکن است دقیق نباشد.

۴۹

صفحه ۵۶

قلمرو زبانی

از متن درس، معادل معنایی برای قسمت‌های مشخص شده، بیابید.
(الف) بیم آن است کز غم عشقت سر برآرد دلم به شیدایی (فخرالدین عراقی)
(ب) درد هرکس را که بینی در حقیقت چاره دارد / من ز عشقت با همه دردی که دارم ناگزیرم (فروغی بسطامی)

○ الف) «شیدایی» ← «دیوانگی»

○ ب) «ناگزیرم» ← «البد» (ناچار و ناگزیر)

این جواب ممکن است دقیق نباشد.

۵۰

صفحه ۵۶

قلمرو زبانی

واژه‌های مهم املائی را در متن درس بیابید و بنویسید.

نمونه‌ها:

○ تجلّی، مستغرق، حاجت، حضرت، غایت، معرفت، محبّت

○ حُسن، وصول، مأوا، مسلّم، ایثار

○ فرض، البد، خودبین، پرکین، خودرای

○ زیرکی، قوت، مصطفی (ص)، حدیث، معشوق، حبیب

به جمله‌های زیر و نقش دستوری واژه‌ها توجه کنید:

الف) عشق، آزادی است. (نهاد، مسند، فعل اسنادی)

ب) برخی عاشق را دیوانه می‌پندارند. (نهاد، مفعول، مسند، فعل)

پ) عشق حقیقی، دل و جان را پاک می‌گرداند. (نهاد، مفعول، مسند، فعل)

اکنون از متن درس برای هر یک از الگوهای زیر نمونه‌ای بیابید و بنویسید.

الف) نهاد + مسند + فعل (.....)

ب) نهاد + مفعول + مسند + فعل (.....)

○ الف) «عشق، آتش است.» (نهاد: عشق / مسند: آتش / فعل: است) — نمونه دیگر: «عاشقی، بی‌خودی و بی‌رایی باشد.»

○ ب) «چون محبت به غایت رسد، آن را عشق خوانند.» (نهاد: «ایشان» محذوف / مفعول: آن را / مسند: عشق / فعل: خوانند)

کاربرد نمادین «پروانه» را در متن درس و سروده زیر بررسی و مقایسه کنید.

چو از شمع‌ی رسد پروانه را نور / درآید پر زان پروانه از دور

بین آخر که آن پروانه خوش / چگونه می‌زند خود را به آتش (عطار)

○ در متن درس: پروانه نماد عاشق حقیقی است که قوت و زندگی‌اش از عشق است، بی‌آتش (معشوق) قرار ندارد و آن قدر در عشق فانی می‌شود که فرق میان آتش و غیر آتش را نمی‌داند.

○ در شعر عطار: پروانه نماد عاشق جان‌باخته‌ای است که با دیدن نور شمع از دور بی‌تابانه پر می‌زند و خود را به آتش می‌اندازد.

○ شباهت: در هر دو، پروانه نماد عاشق فداکار و بی‌خود است که برای رسیدن به معشوق از جان می‌گذرد و آتش (شمع/معشوق) نماد عشق است.

○ تفاوت: متن درس بر وابستگی عاشق به عشق و بی‌قراری او و فانی کامل در آتش تأکید دارد؛ شعر عطار بر شتاب و بی‌پروایی عاشق در جان‌باختن پس از دیدن نور معشوق تمرکز دارد.

برای هر یک از آرایه‌های زیر، نمونه‌ای از متن درس بیابید.

کنایه (.....)

تشبیه (.....)

سجع (.....)

- کنایه: «دامن او را بگیرد» (کنایه از توسل جستن و پناه بردن)؛ «خود را بر میان زند» (کنایه از خود را به خطر انداختن)
- تشبیه: «عشق، آتش است» (عشق به آتش تشبیه شده است)؛ «معرفت و محبت دو پایه نردبان اند»
- سجع: «خودبین و پرکین باشد» (بین و کین هم وزن و هم آوا)؛ «بی خودی و بی رای»

این جواب ممکن است دقیق نباشد.

۵۴

صفحه ۵۸

قلمرو فکری

سهروردی، شرط دستیابی به عالم عشق را چه می داند؟

سهروردی می گوید به عالم عشق، که بالاتر از همه چیز است، نمی توان رسید مگر آنکه انسان نخست از دو پایه نردبان، یعنی «معرفت» (پایه اول) و «محبت» (پایه دوم)، بالا برود؛ عشق پایه سوم است.

۵۵

صفحه ۵۸

قلمرو فکری

درک و دریافت خود را از عبارت های زیر بنویسید.

الف) سودای عشق از زیرکی جهان بهتر ارزد و دیوانگی عشق بر همه عقل ها افزون آید.
ب) ای عزیز، به خدا رسیدن فرض است، و البد هرچه به واسطه آن به خدا رسند، فرض باشد به نزدیک طالبان.

- الف) شور و شیفستگی عشق از همه زیرکی ها و حساب گری های دنیا باارزش تر است و شیدایی عاشق از عقل مصلحت اندیش بالاتر است؛ زیرا عشق انسان را به حقیقت می رساند.
- ب) رسیدن به خدا هدف و وظیفه هر انسان طالب است؛ پس آنچه وسیله این رسیدن باشد نیز لازم است. چون عشق انسان را به خدا می رساند، داشتن عشق بر طالب واجب است.

۵۶

صفحه ۵۸

قلمرو فکری

درباره ارتباط معنایی هر بیت زیر با متن درس توضیح دهید.

الف) لایق صحبت بزم تو شدن آسان نیست / صبر بر داغ دل سوخته باید چون شمع (هوشنگ ابتهاج)
ب) بیتی از محمدعلی بهمنی درباره آنکه هر چه داشته، برای معشوق در راه گذاشته است.
پ) بیتی از حسین منزوی درباره آنکه زیستن بی عشق جز نیستی نیست.

ت) در رگ جان، هر که را چون زلف، پیچ و تاب هست / می‌تواند حلقه بر در زد حریم حسن را (صائب تبریزی)

- الف) رسیدن به محفل معشوق آسان نیست و عاشق باید مانند شمع بسوزد و صبر کند؛ این با سخن متن همخوان است که «عشق هر کسی را به خود راه ندهد» و آتش عشق می‌سوزاند و به رنگ خود درمی‌آورد.
- ب) عاشق همه هستی خود را فدای معشوق کرده است؛ مانند عبارت متن که «در عشق قدم نهادن کسی را مسلم شود که با خود نباشد و ترک خود بکند و خود را ایثار عشق کند».
- پ) زندگی بدون عشق مرگ است؛ مانند عبارت «وجود عاشق از عشق است؛ بی‌عشق چگونه زندگانی کند؟ حیات از عشق می‌شناس و ممات بی‌عشق می‌یاب».
- ت) فقط کسی که مانند زلف در جان خود پیچ و تاب و بی‌قراری عاشقانه دارد، می‌تواند به حریم زیبایی (معشوق) راه یابد؛ مانند متن که می‌گوید رسیدن به حسن جز با عشق ممکن نیست و عشق، هر کسی را به خود راه نمی‌دهد.

این جواب ممکن است دقیق نباشد.

۵۷

صفحه ۵۹

درک و دریافت

این شعر را با متن درس ششم، از نظر لحن و آهنگ مقایسه کنید.

- درس ششم (نی‌نامه): لحن حزین و شکوه‌آمیز؛ آهنگ خوانش آرام، کشیده و اندوهناک، با وزن منظم مثنوی و قافیه‌های پی‌درپی، که حس ناله و سوز جدایی را می‌رساند.
- شعر «صبح ستاره باران» (شفیعی کدکنی): لحن نجواگونه، توصیفی و آرام و همراه با مکث‌های کوتاه؛ سبک نو (نیمایی) با مصراع‌های کوتاه و بلند و تکرار واژه «باران»؛ آهنگ نرم و موسیقایی چون صدای باران.
- هر دو لحنی عاطفی دارند، اما در درس ششم آهنگ اندوه و فریاد است و در این شعر آرامش و نجوا.

این جواب ممکن است دقیق نباشد.

۵۸

صفحه ۵۹

درک و دریافت

شفیعی کدکنی، در کدام بیت، از شاعری پیشین تأثیر گرفته است؟ توضیح دهید.

در بندی که شاعر می‌گوید «باران» به او پیامی داده و از او پاسخ می‌خواهد، این سخن گفتن با عناصر طبیعت (باران و جویبار) یادآور سبک شاعران پیشین است؛ مانند خطاب به جویبار و نسیم در غزل‌های حافظ و سعدی که دل‌سپردگی را با زبان طبیعت بیان می‌کنند.

این جواب ممکن است دقیق نباشد.

گام به گام فارسی (۳) دوازدهم - فصل چهارم

ادبیات سفر و زندگی

فهرست

۳۳	۵۹	صفحه ۶۷ قلمرو زبانی — معنی واژه «طاق»
۳۳	۶۰	صفحه ۶۷ قلمرو زبانی — گروه‌های کلمه املایی
۳۳	۶۱	صفحه ۶۸ قلمرو زبانی — وابسته و وابسته در متن درس
۳۴	۶۲	صفحه ۶۹ قلمرو ادبی — آرایه‌های ادبی
۳۴	۶۳	صفحه ۷۰ قلمرو ادبی — یادآور کدام مثل؟
۳۴	۶۴	صفحه ۷۰ قلمرو فکری — سوءهاضمه و امپراتوری‌ها
۳۵	۶۵	صفحه ۷۰ قلمرو فکری — مفهوم کلی ابیات
۳۵	۶۶	صفحه ۷۰ قلمرو فکری — دولت مستعجل و بیت حافظ
۳۵	۶۷	صفحه ۷۶ قلمرو زبانی — واژه‌های معادل
۳۶	۶۸	صفحه ۷۶ قلمرو زبانی — گروه‌های اسمی املایی
۳۶	۶۹	صفحه ۷۷ قلمرو زبانی — وابسته و وابسته (صفت صفت و قید صفت)
۳۷	۷۰	صفحه ۷۷ قلمرو زبانی — نوع جمله و نقش دستوری

۷۱ صفحه ۷۷ قلمرو ادبی — آرایه‌های بند نهم ۳۷

۷۲ صفحه ۷۷ قلمرو ادبی — تلمیح در متن درس ۳۷

۷۳ صفحه ۷۷ قلمرو ادبی — سفرنامه یا حسب حال ۳۸

۷۴ صفحه ۷۸ قلمرو فکری — جوینده‌ای تشنه ۳۸

۷۵ صفحه ۷۸ قلمرو فکری — مقایسه زندگی روستایی و شهری ۳۸

۷۶ صفحه ۷۸ قلمرو فکری — مضمون سروده‌های سهراب سپهری ۳۸

۷۷ صفحه ۸۳ درک و دریافت — طنز در متن ۳۹

۷۸ صفحه ۸۳ درک و دریافت — نامه برادر و رودکی ۳۹



۱ واژه «طاق» در هر بیت، به چه معناست؟

الف) طاق‌پذیر است عشق، جفت نخواهد حریف / بر نمط عشق اگر پای نهی طاق نه (خاقانی)
 ب) نهاده به طاق اندرون تخت زر / نشانده به هر پایه‌ای در گهر (فردوسی)
 پ) چون ابروی معشوقان با طاق و رواق است / چون روی پری‌رویان با رنگ و نگار است (منوچهری)

- الف) «طاق» در اینجا به معنی «تک، یکتا و بی‌همتا» (در برابر جفت) است.
- ب) «طاق» به معنی «سقف قوسی‌شکل، ایوان و جای سرپوشیده بزرگ» است.
- پ) «طاق» به معنی «قوس، خمیدگی و کمان» است؛ همان طاق‌های کمانی‌شکل بنا که به ابروی کمانی معشوق مانند شده است.

۲ پنج گروه کلمه مهم املائی از متن درس بیابید و بنویسید.

- سوءهاضمه
- غایت‌القصوا
- دولت مستعجل
- ترک تحصیل
- طیلسان آبی
- استبعاد
- تجارتخانه معتبر

ایران توشه
توشه‌ای برای موفقیت

۳ از متن درس، برای هر یک از انواع «وابسته‌های وابسته» نمونه‌ای مناسب بیابید.

- **مُمَیِّز:** «ده فرسخ راه»، «سیصد تومان پول»، «هفت فرسنگ بیابان» (فرسخ، فرسنگ و تومان ممیزند و با عدد همراهشان وابسته هستند).
- **مضاف‌الیه مضاف‌الیه:** «آخرین چراغ امپراتوری روم» (هسته: چراغ، مضاف‌الیه: امپراتوری، مضاف‌الیه مضاف‌الیه: روم)؛ «غاشیه حکومت سرهنگ‌ها» (سرهنگ‌ها) یا «قدرت قلم این نویسنده» (نویسنده).
- **صفت مضاف‌الیه:** «سواحل دریای سیاه» (سیاه، صفت دریا که مضاف‌الیه است)؛ «جلد دوم کتاب بینوایان» نیز نمونه است (بینوایان مضاف‌الیه مضاف‌الیه).

۶۲

صفحه ۶۹

قلمرو ادبی

۱ عبارت و بیت‌های زیر را از نظر آرایه‌های ادبی بررسی کنید.
الف) یک روز دنیایی به روم چشم داشت و از آن چشم می‌زد.
ب) کاووس کیانی که کی‌اش نام نهادند / کی بود؟ کجا بود؟ کی‌اش نام نهادند؟
پ) دلگرمی و دم‌سردی ما بود که گاهی / مرداد مه و گاه دی‌اش نام نهادند

- الف) «دنیا» مجاز از «مردم دنیا» (علاقه محلیه)؛ «چشم داشتن» و «چشم زدن» هر دو کنایه‌اند (چشم داشتن: امید و طمع داشتن / چشم زدن: نظر بد کردن و حسادت ورزیدن)؛ تکرار واژه «چشم» و تضاد میان «چشم داشتن» و «چشم زدن».
- ب) «کی» در مصراع‌ها جناس تام دارد (کی: لقب شاهان کیانی / کی: چه کسی یا چه وقت)؛ تلمیح به کاووس، پادشاه کیانی؛ استفهام انکاری در «کی بود؟ کجا بود؟» برای نشان دادن گذرابودن قدرت؛ تکرار (نام نهادند) و ردیف.
- پ) تشبیه و استعاره: «دلگرمی» به «مرداد» (گرمی تابستان) و «دم‌سردی» به «دی» (سرما زمستان) مانند شده است؛ لف و نشر مرتب (دلگرمی ← مرداد، دم‌سردی ← دی)؛ تضاد (دلگرمی و دم‌سردی، مرداد و دی)؛ کنایه (دم‌سردی: بی‌مهری و سردی در رفتار).

۶۳

صفحه ۷۰

قلمرو ادبی

۲ عبارت زیر، یادآور کدام مثل است؟
از بیم عقرب جراره دموکراسی قرن بیستم، ناچار شده به مار غاشیه حکومت سرهنگ‌ها پناه ببرد.

این عبارت یادآور مثل‌های «از چاله درآمدن و به چاه افتادن»، «از ترس مار به عقرب پناه بردن» و «از ماست گریختن و به دوغ افتادن» است؛ یعنی برای رهایی از بلایی، به بلای بدتر یا همانندی گرفتار شدن.

۶۴

صفحه ۷۰

قلمرو فکری

۱ مقصود نویسنده از عبارت زیر چیست؟

چه خوش گفته‌اند که «امپراتوری‌های بزرگ هم مانند آدم‌های ثروتمند، معمولاً از سوءهاضمه می‌میرند.»

آدم‌های ثروتمند اغلب با پرخوری و زیاده‌روی دچار سوءهاضمه می‌شوند و از پا درمی‌آیند. امپراتوری‌های بزرگ نیز با آزمندی و سرزمین‌گشایی بی‌حد، بیش از توان خود می‌بلعند و نمی‌توانند آنچه را به دست آورده‌اند «هضم» و اداره کنند؛ پس از درون فرو می‌پاشند. نویسنده می‌گوید قدرت‌های بزرگ در اثر زیاده‌خواهی و افراط نابود می‌شوند و پایدار نمی‌مانند.

قلمرو فکری

صفحه ۷۰

۶۵

۲ مفهوم کلی هر بیت را مقابل آن در جدول بنویسید.

صد تیغ جفا بر سر و تن دید یکی چوب / تا شد تهی از خویش و نیش نام نهادند
آیین طریق از نفس پیر مغان یافت / آن خضر که فرخنده‌پی‌اش نام نهادند

- **بیت اول:** برای رسیدن به کمال و ارزش، باید سختی و رنج کشید و از خودی و خودبینی تهی شد؛ چوب نیز پس از تحمل بریدن و تراشیدن (جفا) و خالی شدن، «نی» شد و نوای دلنشین یافت.
- **بیت دوم:** راه و رسم طریقت و سلوک را باید از همنشینی و راهنمایی پیر و مرشد آموخت؛ حتی خضر هم به برکت پیر، «فرخنده‌پی» شد.

قلمرو فکری

صفحه ۷۰

۶۶

۳ با توجه به متن درس، «دولت مستعجل» یادآور کدام بیت از حافظ است؟ دریافت خود را از آن بنویسید.

یادآور این بیت حافظ است:

دور گردون گر دو روزی بر مراد ما نرفت / دائماً یکسان نباشد حال دوران غم مخور

«دولت مستعجل» یعنی قدرتی که زود به پایان می‌رسد. نویسنده می‌گوید دنیا همیشه به یک رو نمی‌ماند و امپراتوری روم که روزگاری فرمان‌روای جهان بود، سرانجام فرو ریخت. حافظ نیز می‌گوید روزگار هرگز به یک حال نمی‌ماند؛ نه باید از سختی‌ها نومید شد و نه از قدرت و دولت دل خوش بود.

این جواب ممکن است دقیق نباشد.

قلمرو زبانی

صفحه ۷۶

۶۷

۱ از متن درس، برای هر یک از معانی زیر، واژه‌های معادل بیابید.

باد گرم مهلک (.....) تماشا (.....)

- باد گرم مهلك: سموم
- تماشا: نظاره
- آویزان: معلق
- نگرش: تلقی

قلمرو زبانی

صفحه ۷۶

۶۸

۲ چهار گروه اسمی که اهمیت املایی داشته باشند، از متن درس بیابید و بنویسید.

- ماوراء الطبیعه
- غرفه بلند آسمان
- تألؤ پرشکوه ماه
- تفرجگاه آزاد مردم کویر

قلمرو زبانی

صفحه ۷۷

۶۹

۳ در کدام گروه‌های اسمی زیر، «وابسته و وابسته» به کار رفته است؟ نوع هریک را مشخص کنید.

تموز سوزان کویر / سه دست لباس ایرانی

قلب آن کویر / این معمار خوش ذوق

هوای نسبتاً پاک / شاگرد حوزه ادبی

- «سه دست لباس ایرانی»: «دست» وابسته و وابسته از نوع ممیز است.
- «قلب آن کویر»: «آن» وابسته و وابسته از نوع صفت مضاف الیه است (صفت اشاره برای کویر که مضاف الیه است).
- «هوای نسبتاً پاک»: «نسبتاً» وابسته و وابسته از نوع قید صفت است.
- «شاگرد حوزه ادبی»: «ادبی» وابسته و وابسته از نوع صفت مضاف الیه است.
- «تموز سوزان کویر» و «این معمار خوش ذوق»: «وابسته و وابسته ندارند؛ «سوزان»، «کویر»، «این» و «خوش ذوق» همگی مستقیم وابسته هستند.

این جواب ممکن است دقیق نباشد.

۴ عبارت زیر را با توجه به موارد «الف» و «ب» بررسی کنید.

آن شب نیز من خود را بر روی بام خانه گذاشته بودم و به نظاره آسمان رفته بودم.

الف) نوع جمله‌ها:

ب) نقش دستوری واژه‌های مشخص شده:

الف) عبارت از دو جمله هم‌پایه (پیوسته با «و») تشکیل شده است. هر دو خبری، مثبت و غیراسنادی با فعل ماضی بعیداند. جمله اول («...خود را ... گذاشته بودم») مفعول و متمم دارد؛ جمله دوم («به نظاره آسمان رفته بودم») متمم دارد و مفعول ندارد.

ب) «آن شب»: قید زمان؛ «من»: نهاد؛ «خود»: مفعول (با نشانه «را»); «بر روی بام خانه»: متمم؛ «خانه»: مضاف‌الیه؛ «به نظاره آسمان»: متمم؛ «آسمان»: مضاف‌الیه؛ «گذاشته بودم / رفته بودم»: فعل.

این جواب ممکن است دقیق نباشد.

۱ آرایه‌های ادبی را در بند «نهم» درس مشخص کنید.

- «دریای سبز معلق» استعاره از آسمان؛ «مرغان الماس‌پر» استعاره از ستارگان؛ «گل‌های الماس» و «قندیل زیبای پروین» اضافه تشبیهی/استعاره.
- «ستارگان ... تک‌تک از غیب سر می‌زنند»، «ماه ... از راه رسید» و «گل‌های الماس شکفتند»: تشخیص (جان‌بخشی).
- «شاهراه علی» و «راه مکه» برای کهکشان: استعاره و تلمیح؛ «آسمان، تماشاخانه و گردشگاه»: استعاره.
- تضاد: «آسفالت‌نشین» (شهر) و «گاه‌کش» (ده)؛ تکرار و واج‌آرایی در توصیف شب.

این جواب ممکن است دقیق نباشد.

۲ دو نمونه «تلمیح» در متن درس بیابید و توضیح دهید.

- «راه مکه»، «شاهراه علی» و «راهی که علی از آن به کعبه می‌رود»: اشاره به حضرت علی (ع) و پیوند ایشان با کعبه (تولد در کعبه).
- «صحرائی که آواز پر جبرئیل همواره در زیر غرفه بلند آسمانش به گوش می‌رسد» و «اسرا»: اشاره به نزول وحی بر پیامبر اکرم (ص) توسط جبرئیل و به معراج (اسراء) ایشان.

- «امام راستین ... سر در حلقوم چاه می برد و می گریست»: اشاره به راز و نیاز و گریه های حضرت علی (ع) در چاه های مدینه.

قلمرو ادبی

صفحه ۷۷

۷۳

۳ متن درس، بخشی از «سفرنامه» محسوب می شود یا «حسب حال»؟ دلیل خود را بنویسید.

این متن «حسب حال» است؛ زیرا نویسنده در آن از دوران کودکی، خاطرات، احساسات و حال درونی خود و خانواده اش سخن می گوید (من نیم قرن پیش از آمدنم به این جهان، خود را در او احساس می کنم؛ من هنوز کودکی هفت هشت ساله بودم) و گزارش سفر و وصف جاها و مسیرهای راه نیست.

قلمرو فکری

صفحه ۷۸

۷۴

۱ در متن درس، چه کسی به «جوینده ای تشنه» مانند شده است؟ چرا؟

شاگرد و دانش جوی علم و حکمت در روزگاران گذشته به «جوینده ای تشنه» مانند شده است؛ زیرا او نه از سر اجبار و «حاضر و غایب»، بلکه با شوق و ارادت و ایمان درونی، همچون تشنه ای که در جست و جوی آب است، می گشت، استادان را می سنجید و سرانجام استاد شایسته را می یافت و سر به فرمان او می گذاشت.

قلمرو فکری

صفحه ۷۸

۷۵

۲ نویسنده با مقایسه زندگی روستایی و زندگی شهری، به چه تفاوت هایی اشاره دارد؟

- روستا (کویر) «میهن آزاد» و جای وصال و آرامش است، ولی شهر «غربت» و «زندان» است.
- در روستا آسمان پرستاره، گردشگاه مردم است و مردم با طبیعت، شعر و خیال و خدا پیوند دارند؛ در شهر نگاه ها «لوکس» و مادی است و آسمان را فقط «کهکشان» می بینند، نه «شاهراه علی».
- زندگی روستایی ساده، پاک و سرشار از معنویت و حضور خداست؛ زندگی شهری آلوده و مصلحت اندیش است و آدمی را از «ماورا» و زیبایی ها محروم می کند.
- در روستا شاگرد با ارادت و ایمان می آموزد؛ در شهر علم «عددبین» و سخن ها همه از خاک و سود (چاه عمیق، چغندرکاری) است.

قلمرو فکری

صفحه ۷۸

۷۶

۳ مضمون کلی هر سروده ی زیر، از سهراب سپهری، با کدام بخش از متن درس ارتباط دارد؟

الف) در کفها کاسه زیبایی، / بر لبها تلخی دانایی / شهر تو در جای دگر / ره می برد با پای دگر.
ب) من نمازم را وقتی می خوانم / که اذانش را باد گفته باشد سر گلدسته سرو / من نمازم را / پی تکبیره الاحرام علف می خوانم / پی «قد قامت» موج.

الف) با بخش پایانی درس (بند دهم) ارتباط دارد؛ آنجا که نویسنده می گوید با پیشرفت در تحصیل، علم «عددبین مصلحت اندیش» جای شعر و خیال و زیبایی را گرفت و دانایی برایش تلخ و بی روح شد. سهراب نیز می گوید در دستها زیبایی هست ولی دانایی تلخ است و شهر (شهر مادی گرا) در جهت دیگری می رود.

این جواب ممکن است دقیق نباشد.

ب) با بخش هایی ارتباط دارد که از پیوند کویر و طبیعت با خدا سخن می گوید: «در کویر، خدا حضور دارد»، و درخت و غار و کوه و سنگریزه «آیات وحی را بر لب دارند». در شعر سهراب نیز طبیعت (باد، سرو، علف، موج) به اذان و نماز و ستایش خدا پیوند خورده است.

این فایل توسط سایت ایران توشه تهیه شده است.

irantooshe.ir



درک و دریافت

صفحه ۸۳

۷۷

۱ نویسنده در این متن، از زبان طنز بهره گرفته است؛ دو نمونه از آن را در متن بیابید.

- «پدرم مرد مهمی نبود؛ اشتباهات تبعید شد. مادرم هم زن مهمی نبود؛ اشتباهات تبعید شد. دارو ندارمان هم اشتباهات به دست حضرات دولتی و ملّتی به یغما رفت»؛ طنز تلخ درباره تبعید و غارت بی دلیل ایلها.
- «سری به ساوه زدم و درباره دزفول پرس و جو کردم. هر دو ویرانه بودند. یکی آب و هوایی داشت و دیگری آن را هم نداشت»؛ شوخی با وضع شهرها.
- همچنین: «تصدیق قشنگی به شکل مربع مستطیل بود» و «همه بی تصدیق بودند؛ به جز من»، «زنبوری طفیلی شدم» و «به جمع و تفریق محاسبات مردم پرداختم».

درک و دریافت

صفحه ۸۳

۷۸

۲ با توجه به جمله زیر:

«نامه برادر با من همان کرد که شعر و چنگ رودکی با امیر سامانی!»

الف) چرا نویسنده با خواندن نامه برادر خود، داستان تاریخی امیر سامانی را به یاد می آورد؟

الف) طبق داستان، امیر سامانی (نصر بن احمد) مدت‌ها در هرات سرگرم خوش‌گذرانی بود و بخارا را از یاد برده بود. رودکی با چنگ، شعر «بوی جوی مولیان آید همی ...» را خواند و امیر چنان دلتنگ بخارا شد که بی‌درنگ و پابرهنه سوار شد و به بخارا بازگشت. نامهٔ برادر نیز که با وصف زیبایی ایل و طبیعت و دلتنگی مادر نوشته شده بود، نویسنده را چنان دلتنگ کرد که بی‌درنگ شغل و شهر را رها کرد و به ایل بازگشت.

ب) شعر (به‌ویژه در کنار موسیقی) نیرویی شگرف در برانگیختن عواطف و احساس دارد و می‌تواند بر دل و رفتار آدمی اثر بگذارد و او را دگرگون کند.



گام به گام فارسی (۳) دوازدهم - فصل پنجم

ادبیات انقلاب اسلامی

فهرست

۷۹	صفحه ۸۸ . کارگاه متن پژوهی (قلمرو زبانی) — واژه هم آوا	۴۳
۸۰	صفحه ۸۸ . کارگاه متن پژوهی (قلمرو زبانی) — انواع «و»	۴۳
۸۱	صفحه ۸۸ . کارگاه متن پژوهی (قلمرو زبانی) — گروه های اسمی در نقش مفعول	۴۳
۸۲	صفحه ۸۸ . کارگاه متن پژوهی (قلمرو ادبی) — تشخیص و تشبیه	۴۳
۸۳	صفحه ۸۸ . کارگاه متن پژوهی (قلمرو ادبی) — نماد «برزخ سرد» و «شب»	۴۴
۸۴	صفحه ۸۸ . کارگاه متن پژوهی (قلمرو فکری) — مقصود شاعر از مصراع دوم	۴۴
۸۵	صفحه ۸۸ . کارگاه متن پژوهی (قلمرو فکری) — پیوند بیت با ادبیات انقلاب	۴۴
۸۶	صفحه ۸۸ . کارگاه متن پژوهی (قلمرو فکری) — ارتباط موضوعی سروده ها با متن درس	۴۴
۸۷	صفحه ۹۶ . کارگاه متن پژوهی (قلمرو زبانی) — معنای واژه ها	۴۵
۸۸	صفحه ۹۶ . کارگاه متن پژوهی (قلمرو زبانی) — ساختن ترکیب وصفی و اضافی	۴۵
۸۹	صفحه ۹۶ . کارگاه متن پژوهی (قلمرو زبانی) — زمان فعل های بند پنجم	۴۶
۹۰	صفحه ۹۶ . کارگاه متن پژوهی (قلمرو زبانی) — ضمیر پیوسته و گسسته و مرجع	۴۶

۹۱ صفحه ۰۹۶ کارگاه متن پژوهی (قلمرو ادبی) — کنایه و حس آمیزی ۴۶

۹۲ صفحه ۰۹۶ کارگاه متن پژوهی (قلمرو ادبی) — فضا سازی ۴۷

۹۳ صفحه ۰۹۷ کارگاه متن پژوهی (قلمرو فکری) — ارتباط سروده ها با متن درس ۴۷

۹۴ صفحه ۰۹۷ کارگاه متن پژوهی (قلمرو فکری) — مناسبت سروده با قسمتی از درس ۴۷

۹۵ صفحه ۰۹۹ درک و دریافت — لحن خوانش ۴۸

۹۶ صفحه ۰۹۹ درک و دریافت — ویژگی های شهید حججی ۴۸

۹۷ صفحه ۰۹۹ درک و دریافت — پاسداشت ارزش های عاشورا ۴۸



۱ در متن درس، واژه‌ای بیابید که هم‌آوای آن در زبان فارسی وجود دارد؟

«غربت» (غربت باغ) که با «قربت» (نزدیکی) هم‌آوا است؛ هر دو یک‌گونه خوانده می‌شوند ولی املا و معنای متفاوت دارند (غ و ق هم‌آوا هستند).

این جواب ممکن است دقیق نباشد.

۲ انواع «و» (ربط، عطف) را در بیت آخر مشخص کنید.

در بیت آخر («چون رود امیدوارم، بی‌تابم و بی‌قرارم / من می‌روم سوی دریا جای قرار من و تو»): «و» در «بی‌تابم و بی‌قرارم» و در «من و تو» هر دو «و» عطف‌اند؛ زیرا دو واژه یا دو گروه هم‌نقش را به هم پیوند می‌دهند (بی‌تاب و بی‌قرار؛ من و تو). «و» ربط (پیوند دو جمله) در این بیت نیست.

این جواب ممکن است دقیق نباشد.

۳ در متن درس، کدام گروه‌های اسمی، در نقش «مفعول» به کار رفته‌اند؟

گروه‌های اسمی‌ای که «را» می‌گیرند یا فعل متعدی آنها را کامل می‌کند، مثل «چه» در «غیر از شب آیا چه می‌دید چشمان تار من و تو؟» (مفعول فعل «می‌دید») و گروه‌هایی مانند «دری» در عنوان که مفعول یا متمم فعل‌های محذوف‌اند.

این جواب ممکن است دقیق نباشد.

۱ در متن درس، برای کاربرد هریک از آرایه‌های «تشخیص» و «تشبیه» دو نمونه بیابید.

- تشخیص: «خورشید در دشت، آینه‌دار من و تو» (خورشید مانند انسان آینه‌داری می‌کند)؛ «چون رود امیدوارم، بی‌تابم...» (رود امید و بی‌قراری دارد).
- تشبیه: «چون رود امیدوارم» (من به رود مانند شده‌ام)؛ «چمن داغ» / «غربت باغ» (تشبیه زندگی پیش از پیروزی به باغی غریب و داغ‌دار).

۸۳

صفحه ۸۸

کارگاه متن پژوهی (قلمرو ادبی)

۲ در بیت زیر، «برزخ سرد» و «شب» نماد چه مفاهیمی هستند؟
آنجا در آن برزخ سرد، در کوچه‌های غم و درد / غیر از شب آیا چه می‌دید چشمان تار من و تو؟

- برزخ سرد: نماد دوران خفقان، ظلم و بلاتکلیفی پیش از پیروزی انقلاب (روزگار سخت و بی‌گرمی و بی‌امید).
- شب: نماد ستم، استبداد و ناامیدی.

۸۴

صفحه ۸۸

کارگاه متن پژوهی (قلمرو فکری)

۱ مقصود نهایی شاعر از مصراع دوم بیت زیر چیست؟
چون رود امیدوارم، بی‌تابم و بی‌قرارم / من می‌روم سوی دریا جای قرار من و تو

همان‌گونه که رود پیوسته به سوی دریا می‌رود و تنها در آن آرام می‌گیرد، شاعر (و مردم) نیز با امید و شور، بی‌قرار حرکت می‌کنند تا به مقصد و آرمان نهایی (حق، آزادی و حقیقت) برسند؛ جای آرامش واقعی در رسیدن به آن مقصد است.

۸۵

صفحه ۸۸

کارگاه متن پژوهی (قلمرو فکری)

۲ توضیح دهید بیت زیر با فصل ادبیات انقلاب اسلامی چه مناسبت و پیوندی دارد؟
دیروز در غربت باغ من بودم و یک چمن داغ / امروز خورشید در دشت، آینه‌دار من و تو

نوشته‌ای برای موهبت

«دیروز» اشاره به دوران ستم و غربت پیش از انقلاب است که جز داغ و رنج نبود، و «امروز» روزگار پیروزی انقلاب که خورشید آزادی و حقیقت بر همه می‌تابد. انقلاب اسلامی تحولی از تاریکی و غم به روشنایی و امید است و این بیت همین دگرگونی را بیان می‌کند.

۸۶

صفحه ۸۸

کارگاه متن پژوهی (قلمرو فکری)

۳ درباره ارتباط موضوعی هریک از سروده‌های زیر با متن درس توضیح دهید.
الف) ز خورشید و از آب و از باد و خاک / نگردد تبه نام و گفتار پاک (فردوسی)

ب) ای منتظر، مرغ غمین در آشیانه! / من گل به دست می‌دهم، من آب و دانه / ... می‌کارمت / در چشم‌ها
گل نقش امید / می‌بارمت بر دیده‌ها باران خورشید. (سیاوش کسرایی)

- الف) فردوسی می‌گوید نام و سخن نیک پاک هرگز با گذر روزگار از میان نمی‌رود؛ در متن درس نیز راه و آرمان‌های پاک انقلاب و ایثار ماندگار است و نمی‌میرد.
- ب) شاعر به مردم غمگین و چشم‌به‌راه، امید و آرمان‌های روشن را هدیه می‌دهد و نوید آینده‌ای آزاد و روشن (باران خورشید) می‌دهد؛ این با مفهوم درس یعنی امید به فردا، پایان شب ستم و آمدن خورشید آزادی هم‌خوان است.

این جواب ممکن است دقیق نباشد.

کارگاه متن‌پژوهی (قلمرو زبانی)

صفحه ۹۶

۸۷

۱ با توجه به متن درس، معنای واژه‌های زیر را بنویسید.

مَعْبَر (.....)

ذَلَّه شدن (.....)

- مَعْبَر: گذرگاه، راه عبور
- ذَلَّه شدن: خوار و درمانده شدن؛ از کار افتادن و به ستوه آمدن

کارگاه متن‌پژوهی (قلمرو زبانی)

صفحه ۹۶

۸۸

۲ شش واژه مهم املایی از متن درس انتخاب کنید و به کمک آنها ترکیب‌های وصفی یا اضافی بسازید.

- مَعْبَر ← معبر باریک (وصفی)
- خَاکَرِیز ← خاگریز دشمن (اضافی)
- مَخْفِیْگَاه ← مخفیگاه امن (وصفی)
- گَلُولَه ← گلوله توپ (اضافی)
- تَعْلِیم ← تعلیم نظامی (وصفی)
- مَنَاجَات ← مناجات شبانه (وصفی)

۳ در بند پنجم، زمان فعل‌ها را مشخص کنید.

بند پنجم: «مثل کلاس، گرم و پرشور حرف می‌زدید و مثل کلاس، طنز و شوخی از کلامتان نمی‌افتاد. از صحبت‌هایتان پیدا بود که حمله در کار است.»

- حرف می‌زدید: ماضی استمراری
- نمی‌افتاد: ماضی استمراری (منفی)
- پیدا بود: ماضی ساده
- (در کار) است: مضارع اخباری

این جواب ممکن است دقیق نباشد.

۴ برای کاربرد هر یک از ضمائر زیر، جمله‌ای مناسب از متن درس بیابید؛ سپس مرجع ضمیرها را مشخص کنید.

ضمیر پیوسته (متصل):
ضمیر گسسته (جدا):

- ضمیر پیوسته: «فکر اینکه مرا شناخته باشید، دلم را گرم کرد.» — «م» در «دلم» و «مرا»؛ مرجع: راوی (احمد موحدی). همچنین «تان» در «دستتان» که مرجع آن «آقای موسوی» است.
- ضمیر گسسته: «من هم یقین نداشتم.» — «من»؛ مرجع راوی؛ «شما هم مرا دیدید.» — «شما»؛ مرجع آقای موسوی (معلم).

ایران توشه
توشه‌ای برای موفقیت

۱ با توجه به متن درس:

الف) دو «کنایه» بیابید و مفهوم هر یک را بنویسید.
ب) یک نمونه «حسن آمیزی» مشخص کنید.

- الف) «بال درآورد»؛ بسیار شاد و سرحال شدم. «پا جای پای شما بگذارم»؛ از شما پیروی کنم و در پی شما بروم.
- ب) «صدای کودکانه اما خشک کلاش» (ترکیب حسن شنوایی با حسن لامسه) و «لحن گرم».

۹۲

صفحه ۹۶

کارگاه متن‌پژوهی (قلمرو ادبی)

۲ فضاسازی، در کدام قسمت از متن درس، نقش مؤثری در پیش‌برد داستان داشته است؟

در بخش شب پیش از حمله: تاریکی، ماهی که از پشت ابرهای تیره بیرون می‌آید، تپه‌های خاکی و گودال، و صدای حزن‌دای کامیل معلم، فضایی معنوی و رازآلود می‌سازد و راوی را به تعقیب او و آشنایی با روح بلند معلم می‌کشاند. همچنین در صحنه حمله، صدای توپخانه، تیربارها و خاکریز، فضای جنگ و التهاب را القا می‌کند و داستان را به اوج می‌رساند.

۹۳

صفحه ۹۷

کارگاه متن‌پژوهی (قلمرو فکری)

۱ سروده‌های زیر را از نظر محتوا بررسی کنید و درباره ارتباط هریک از آنها با متن درس به اختصار توضیح دهید.

الف) کس چون تو طریق پاک‌بازی نگرفت / با زخم نشان سرفرازی نگرفت / زین پیش دلاورا، کسی چون تو شگفت / حیثیت مرگ را به بازی نگرفت! (سید حسن حسینی)
ب) برای وصف میدان‌های پرمین / برای وصف خال و زلف چین چین / «نظامی» نه در شیراز و نه در گنجه / در «قصرشیرین» می‌شوم (علی سهامی)

- الف) شاعر شهید را می‌ستاید که با پاک‌بازی و جان‌فشانی، مرگ را شرافتمندانه و بزرگ پذیرفت و زخم را نشان سرفرازی دانست. در درس نیز معلم با دست زخمی و بی‌اعتنا به درد، تا لحظه آخر فرمان می‌دهد و با نام امام زمان شهید می‌شود.
- ب) شاعر به جای وصف زیبایی‌ها (خال و زلف)، از میدان‌های جنگ و مین و حضور در جبهه سخن می‌گوید؛ با درس هم‌خوان است که راوی و معلم از کلاس و آرامش به میدان نبرد می‌روند و ایثار را بر زندگی عادی ترجیح می‌دهند.

۹۴

صفحه ۹۷

کارگاه متن‌پژوهی (قلمرو فکری)

۲ سروده زیر با کدام قسمت از متن درس مناسبت دارد؟

هر سال چو نوبهار خیزد ز خواب نوشین / تا باز کند به روی عالم دیباچهٔ خاطرات شیرین / از لاله دهد به سبزه زیور / ای دوست، مرا به خاطر آور! (محمدتقی بهار)

با بخش پایانی درس: راوی هر روز صبح بر مزار معلم می‌آید، قاب و سنگ او را پاک می‌کند، گلدانش را آب می‌دهد و خاطرات را مرور می‌کند و می‌گوید «هر روز چیزهای بیشتری از آن شب عزیز یادم می‌آید». یاد و خاطرهٔ دوست از دست‌رفته در بهار، همان مضمون شعر است.

این جواب ممکن است دقیق نباشد.

درک و دریافت

صفحه ۹۹

۹۵

۱ برای خوانش مناسب شعر، بهتر است ترکیبی از کدام انواع لحن را به کار گیریم؟

ترکیبی از لحن حماسی (ستایش رشادت و ایثار)، عاطفی و حزین (سوگ) و خطابي (ندا مانند «ای محسن!»)؛ در بیت‌های سوگ آرام و غم‌انگیز و در بیت‌های ستایش رسا و باشکوه.

این جواب ممکن است دقیق نباشد.

درک و دریافت

صفحه ۹۹

۹۶

۲ با توجه به متن شعرخوانی به پرسش‌های زیر پاسخ دهید.

الف) در بیت‌های ششم تا هشتم، شاعر به کدام ویژگی‌های شهید محسن حججی اشاره دارد؟

ایمان استوار، شجاعت و ایستادگی در اسارت، بی‌باکی در برابر دشمن، شهادت‌طلبی و غیرت دینی (دفاع از حرم اهل بیت)؛ با دستان بسته هم سر خم نکرد.

این جواب ممکن است دقیق نباشد.

درک و دریافت

صفحه ۹۹

۹۷

ب) برای پاسداشت ارزش‌های قیام عاشورا و راه شهدا چه باید کرد؟

- شناخت درست پیام عاشورا و زندگی شهدا و بازگو کردن آن برای نسل جوان.
- عمل به ارزش‌هایی مانند ایثار، شجاعت، حق‌طلبی، ظلم‌ستیزی و صداقت در زندگی روزمره.
- ادامه‌ی راه آنان با تلاش در درس و کار و خدمت به مردم؛ زنده‌نگه‌داشتن یاد آنان.

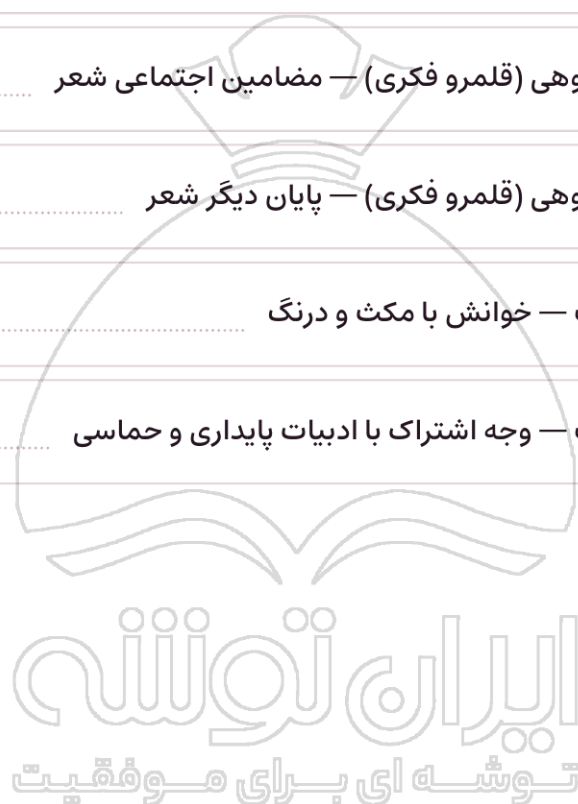
گام به گام فارسی (۳) دوازدهم - فصل ششم

ادبیات حماسی

فهرست

۹۸	صفحه ۱۰۷ - کارگاه متن پژوهی (قلمرو زبانی) — معنای واژه «اندیشه»	۵۱
۹۹	صفحه ۱۰۷ - کارگاه متن پژوهی (قلمرو زبانی) — برگردان بیت به نثر	۵۱
۱۰۰	صفحه ۱۰۷ - کارگاه متن پژوهی (قلمرو زبانی) — کاربرد معنایی فعل‌های «گذشت» و «گرفت»	۵۱
۱۰۱	صفحه ۱۰۸ - کارگاه متن پژوهی (قلمرو ادبی) — کنایه	۵۲
۱۰۲	صفحه ۱۰۸ - کارگاه متن پژوهی (قلمرو ادبی) — مجاز	۵۲
۱۰۳	صفحه ۱۰۸ - کارگاه متن پژوهی (قلمرو ادبی) — زمینه‌های حماسه	۵۳
۱۰۴	صفحه ۱۰۸ - کارگاه متن پژوهی (قلمرو فکری) — معنی بیت	۵۳
۱۰۵	صفحه ۱۰۸ - کارگاه متن پژوهی (قلمرو فکری) — مقایسه با بیت مولوی	۵۳
۱۰۶	صفحه ۱۰۹ - کارگاه متن پژوهی (قلمرو فکری) — بیت مرتبط و مفهوم مشترک	۵۴
۱۰۷	صفحه ۱۱۷ - کارگاه متن پژوهی (قلمرو زبانی) — متضاد واژه‌ها	۵۴
۱۰۸	صفحه ۱۱۷ - کارگاه متن پژوهی (قلمرو زبانی) — بررسی زبان شعر اخوان	۵۵
۱۰۹	صفحه ۱۱۷ - کارگاه متن پژوهی (قلمرو زبانی) — گروه‌های اسمی و وابسته‌ها	۵۵

۵۵		صفحه ۱۱۷ کارگاه متن پژوهی (قلمرو ادبی) — لحن خوانش شعر	۱۱۰
۵۶		صفحه ۱۱۷ کارگاه متن پژوهی (قلمرو ادبی) — نمادها	۱۱۱
۵۶		صفحه ۱۱۸ کارگاه متن پژوهی (قلمرو ادبی) — بررسی آرایه ها	۱۱۲
۵۶		صفحه ۱۱۸ کارگاه متن پژوهی (قلمرو فکری) — قصه درد	۱۱۳
۵۷		صفحه ۱۱۸ کارگاه متن پژوهی (قلمرو فکری) — مناسبت با بیت فاضل نظری	۱۱۴
۵۷		صفحه ۱۱۸ کارگاه متن پژوهی (قلمرو فکری) — مضامین اجتماعی شعر	۱۱۵
۵۷		صفحه ۱۱۸ کارگاه متن پژوهی (قلمرو فکری) — پایان دیگر شعر	۱۱۶
۵۸		صفحه ۱۱۹ درک و دریافت — خوانش با مکث و درنگ	۱۱۷
۵۸		صفحه ۱۱۹ درک و دریافت — وجه اشتراک با ادبیات پایداری و حماسی	۱۱۸



۱ همان‌طور که می‌دانیم با روش‌های زیر، می‌توان به معنای هر واژه پی برد:

- قرار دادن واژه در جمله

- توجه به روابط معنایی واژگان

اکنون بنویسید با کدام یک از این روش‌ها می‌توان به معنای واژه «اندیشه» در بیت‌های زیر پی برد؟

(الف) چو شب تیره گردد، شبیخون کنیم / ز دل ترس و اندیشه بیرون کنیم (فردوسی)

(ب) غلام عشق شو، کاندیشه این است / همه صاحب‌دلان را پیشه این است (نظامی)

(پ) چو بشنید خسرو از آن شاد گشت / روانش ز اندیشه آزاد گشت (فردوسی)

○ (الف) با توجه به روابط معنایی: «اندیشه» با «ترس» هم‌معنا (مترادف) است و به معنای «بیم و نگرانی» به کار رفته است.

○ (ب) با قرار دادن واژه در جمله: «اندیشه» در این جمله به معنای «فکر و باور» است.

○ (پ) با توجه به روابط معنایی: «اندیشه» در تقابل با «شاد گشتن» است و به معنای «غم و نگرانی» است.

۲ بیت زیر را از شیوه بلاغی به شیوه عادی برگردانید.

سرانجام گفت ایمن از هر دوان / نه گردد مرا دل، نه روشن روان

سرانجام (کاووس) گفت: دلم از هیچ‌یک از آن دو (سیاوش و سودابه) آسوده و ایمن نمی‌شود و جانم نیز روشن نمی‌گردد.

این جواب ممکن است دقیق نباشد.

۳ به جمله‌های زیر توجه کنید:

- او در مراغه رصدخانه‌ای بزرگ ساخت.

- آن نامدار، لشکری عظیم ساخت.

- استاد موسیقی، آهنگ زیبایی ساخت.

- او با ناملایمات زندگی ساخت.

فعل «ساخت» در هر یک از جمله‌های بالا کاربرد معنایی خاصی دارد که با دیگری کاملاً متفاوت است؛ پس واژه

«ساخت» در هر یک از کاربردهایش، فعل دیگری است.

فعل‌های «گذشت» و «گرفت» در کاربردهای مختلف تغییر معنا می‌دهند. برای هر یک از معانی آنها جمله‌ای بنویسید.

گذشت:

- عبور کرد: قطار از کنار روستا گذشت.
- سپری شد: روزهای تعطیلات به سرعت گذشت.
- بخشید: او از خطای دوستش گذشت.
- اتفاق افتاد: در جلسه چه گذشت؟
- رسیده و پخته شد: میوه‌ها گذشته‌اند.

گرفت:

- تصاحب کرد (دریافت کرد): کتاب را از او گرفت.
- دستگیر کرد: پلیس دزد را گرفت.
- فرا گرفت (یاد گرفت): درس را خوب گرفت.
- شروع به سوختن کرد: چوب‌ها آتش گرفت.
- تصرف کرد: سپاه شهر را گرفت.
- ناواضح شد: صدایش گرفت.

کارگاه متن‌پژوهی (قلمرو ادبی)

صفحه ۱۰۸

۱۰۱

۱ کنایه را در بیت‌های زیر مشخص کنید و مفهوم هر یک را بنویسید.
الف) چو خواهی که پیدا کنی گفت‌وگوی / ببايد زدن سنگ را بر سبوی
ب) سیاوش سیه را به تندی بتاخت / نشد تنگ‌دل، جنگ آتش بساخت

نوشته‌ای برای موفقیت

- الف) «سنگ را بر سبوی زدن»: کنایه از ایجاد درگیری و برانگیختن بحث و جدال (بهانه‌جویی برای آغاز سخن).
- ب) «تنگ‌دل نشد»: کنایه از نترسیدن و نگران نشدن؛ «جنگ آتش ساختن»: کنایه از آماده شدن برای مقابله و نبرد با آتش و روبه‌رو شدن شجاعانه با آن.

کارگاه متن‌پژوهی (قلمرو ادبی)

صفحه ۱۰۸

۱۰۲

۲ دو نمونه «مجاز» در متن درس بیابید و مفهوم آنها را بررسی کنید.

- «شهر» در جمله‌ای مانند «همه شهر برآمد به غوغا»: مجاز از مردم شهر (علاقه محلیه).

- «دل» در «ز دل ترس و اندیشه بیرون کنیم»: مجاز از درون و ضمیر انسان (علاقه محلیه): همچنین «سر» مجاز از وجود و تن.

این جواب ممکن است دقیق نباشد.

۱۰۳

صفحه ۱۰۸

کارگاه متن پژوهی (قلمرو ادبی)

۳ برای هریک از زمینه‌های حماسه، بیت متناسب از متن درس بیابید.

- قهرمانی:

- خرق عادت:

- ملّی:

- قهرمانی: «سیاوش سیه را به تندی بتاخت / نشد تنگ دل، جنگ آتش بساخت» ← شجاعت سیاوش در روبه‌رو شدن با آتش.
- خرق عادت: «چو او را بدیدند برخاست غو / که آمد ز آتش برون شاه نو» ← سالم بیرون آمدن سیاوش و اسبش از میان آتش، کاری فراتر از توان طبیعی انسان.
- ملّی: بیت‌هایی که از شاه و پهلوانان ایران، آیین آزمون با آتش و پاک‌دامنی و راستی (از باورهای ایرانیان باستان) سخن می‌گویند؛ مانند ابیاتی که در آن مردم و موبدان به پاکی سیاوش گواهی می‌دهند.

این جواب ممکن است دقیق نباشد.

۱۰۴

صفحه ۱۰۸

کارگاه متن پژوهی (قلمرو فکری)

۱ معنی و مفهوم بیت زیر را به نثر روان بنویسید.
چو او را بدیدند برخاست غو / که آمد ز آتش برون شاه نو

هنگامی که مردم سیاوش را دیدند، فریاد شادی و هلهله برخاست که شاهزاده جوان سالم از میان آتش بیرون آمد. مفهوم: بی‌گناهی و پاکی، انسان را از آزمون‌های سخت سربلند بیرون می‌آورد.

۱۰۵

صفحه ۱۰۸

کارگاه متن پژوهی (قلمرو فکری)

۲ «گذر سیاوش از آتش» را با مضمون بیت زیر مقایسه کنید.

آتش ابراهیم را نبود زیان / هر که نمرودی است، گو می ترس از آن (مولوی)

در هر دو، آتش بر انسان پاک و بی گناه زبانی نمی رساند: آتش نمرود بر ابراهیم (ع) گلستان شد و آتش سودابه و کاووس نیز به سیاوش بی گناه آسیبی نرساند. در عوض، ستمگران و بدکاران (نمرودان و سودابه) باید از فرجام بد کار خود بترسند. مضمون مشترک: پیروزی پاکی و راستی بر ستم و تهمت.

کارگاه متن پژوهی (قلمرو فکری)

صفحه ۱۰۹

۱۰۶

۳ نخست برای هر نمونه، بیتی مرتبط از متن درس بیابید؛ سپس مفهوم مشترک ابیات هر ستون را بنویسید.
نمونه: ضربت گردون دوان آزادگان را خسته کرد / گو دل آزاده ای کز تیغ او مجروح نیست (سنایی)
نمونه: گریز از کفش در دهان نهنگ / که مردن به از زندگانی به ننگ (سعدی)
ستون ها: نمونه / بیت متن درس / مفهوم مشترک

نمونه	بیت متن درس	مفهوم مشترک
سنایی: ضربت گردون دوان آزادگان را خسته کرد...	بیتی که سیاوش در آن از تهمت ناروای سودابه و ستمی که به او رفته می نالد (بی گناهی گرفتار ستم)	آزادگان و پاکان همواره از ستم روزگار و بدخواهان رنج می برند.
سعدی: گریز از کفش در دهان نهنگ، که مردن به از زندگانی به ننگ	بیتی که سیاوش به جای تن دادن به گناه و پذیرش ننگ، آمادگی خود را برای گذر از آتش نشان می دهد	مرگ با عزت و آبرو بهتر از زندگی همراه با ننگ و خواری است.

این جواب ممکن است دقیق نباشد.

ردیف شماره ۴ در پایان این بخش یک خط خالی (نقطه چین) برای نوشتن آزاد است و پرسش مشخصی ندارد.

توشه ای برای موفقیّت

کارگاه متن پژوهی (قلمرو زبانی)

صفحه ۱۱۷

۱۰۷

۱ متضاد واژه های مشخص شده را در متن درس بیابید.
باید به داوری بنشینیم / شوق رقابتی است / در بین واژه ها و عبارت ها / و هر کدام می خواهند اول باشند (طاهره صفارزاده)
هر کس سر یکرنگی با اهل فنا دارد / باید که به رنگ شمع از رفتن سر خندد (بیدل دهلوی)

○ اول ← آخرین (در «آن آخرین اندیشه ها»)

○ خندد (خنده) ← ضجه (گریه) (در «از صدایش ضجه می بارید»)

این جواب ممکن است دقیق نباشد.

۲ این شعر اخوان را با توجه به موارد زیر بررسی کنید.
الف) استفاده از واژه‌ها، ترکیب‌ها و ساختارهای دستوری زبان کهن
ب) کاربرد واژه‌ها و ترکیب‌های نوساخته

- الف) واژه‌ها و ساختارهای کهن: «به کردار» (مانند)، «چونان»، «همگنان»، «هان»، «پور زال زر»، «ور بپرسی راست، گویم راست»، «کان کمند» (که آن کمند)، «بسکه»، «نبایستی بگوید»، «شیرمرد»، «گرد سجستانی».
- ب) واژه‌ها و ترکیب‌های نوساخته: «میدانک» (میدان + ک)، «چاه‌سار»، «آتشین پیغام»، «چوبدستی منتشا»، «نابردار»، «دردآلود»، «کوه کوهان»، «بی‌همتا»، «دام و دهان خوان هشتم».

این جواب ممکن است دقیق نباشد.

۳ در متن زیر، گروه‌های اسمی و وابسته‌های پیشین و پسین را مشخص کنید.
- رخس زیبا، رخس غیرتمند
- رخس بی‌مانند، با هزارش یادبود خوب خوابیده است.

گروه اسمی	وابسته پیشین	هسته	وابسته پسین
رخس زیبا	—	رخس	زیبا (صفت)
رخس غیرتمند	—	رخس	غیرتمند (صفت)
رخس بی‌مانند	—	رخس	بی‌مانند (صفت)
هزارش یادبود خوب	هزار (صفت شمارشی)	یادبود	ش (مضاف الیه)، خوب (صفت)

۱ کدام نوع لحن برای خوانش متن درس، مناسب است؟ دلایل خود را بنویسید.

لحن حماسی - سوگوارانه (اندوه‌گین و خشم‌آلود). دلیل: موضوع شعر مرگ‌آفرینی خیانت و ناجوانمردی در حق پهلوانی بزرگ است؛ نقال با شور و خروش شروع می‌کند، در بخش‌هایی با صدایی لرزان و دردآلود سخن می‌گوید و در پایان با اندوه و درنگ و تأکید بر «لیک...» شعر را تمام می‌کند. بنابراین آهنگ باید در جاهایی بلند و پرصلابت و در جاهایی آرام و غمگین باشد.

۲ در این سروده، «رستم» و «شغاد» نماد چه کسانی هستند؟

- رستم: نماد انسان‌های بزرگ، پاک، آزاده و دلیر که قربانی خیانت و نیرنگ می‌شوند.
- شغاد: نماد خیانت‌پیشگان و ناجوانمردانی که به نزدیکان و آزادگان نیرنگ می‌زنند و جامعه را به تباهی می‌کشند.

این جواب ممکن است دقیق نباشد.

۳ قسمت‌های زیر را از دید آرایه‌های ادبی بررسی کنید.

الف) این نخستین بار شاید بود / کان کلید گنج مروارید او گم شد
 ب) همگنان خاموش، / گرد بر گردش، به کردار صدف بر گرد مروارید
 پ) پهلوان هفت‌خوان، اکنون / طعمه دام و دهان خوان هشتم بود.

- الف) «کلید گنج مروارید»: اضافه تشبیهی (لبخند به کلید و دندان‌ها به گنج مروارید تشبیه شده‌اند) و استعاره؛ «گم شدن لبخند»: کنایه از غمگین شدن.
- ب) تشبیه: مردم (همگنان) به صدف و نقال به مروارید مانند شده‌اند («به کردار» ادات تشبیه)؛ همچنین «گرد بر گرد» تکرار.
- پ) «دام» استعاره از خیانت و نیرنگ؛ «دهان خوان هشتم»: تشخیص و استعاره (خوان هشتم همچون هیولایی دهان دارد)؛ «هفت‌خوان»: تلمیح به داستان هفت‌خوان رستم؛ و تناقض زیبا میان پهلوان هفت‌خوان و طعمه خوان هشتم شدن.

این جواب ممکن است دقیق نباشد. گوشه ای برای موفقیت

۱ مقصود نقال از «قصه درد» چیست؟

مقصود داستانی است که از رنج‌ها و ستم‌های بزرگ می‌گوید: مرگ ناجوانمردانه پهلوانان پاک‌دل (سهراب، سیاوش، رستم)، خیانت و بدی نزدیکان. نقال می‌گوید این روایت تنها یک داستان یا شعر برای سرگرمی نیست، بلکه بیانگر دردهای واقعی مردم و ستم‌دیدگان است و معیاری برای سنجش مهر و کین، مردانگی و نامردی است.

۲ دربارهٔ مناسبت موضوعی متن درس با بیت زیر توضیح دهید.
یوسف، به این رها شدن از چاه دل مبنده / این بار می‌برند که زندانیات کنند (فاضل نظری)

در بیت، شاعر هشدار می‌دهد که رهایی از یک گرفتاری (چاه) پایان رنج نیست و ممکن است بلای بزرگ‌تری (زندان) در پی باشد. در متن درس هم رستم پس از پیروزی در هفت‌خوان به خیال میهمانی و شکار می‌رود، ولی در «خوان هشتم» به چاه نیرنگ شغاد می‌افتد و کشته می‌شود؛ یعنی پیروزی‌های بزرگ نیز ما را از نیرنگ و خیانت روزگار ایمن نمی‌کند.

۳ شاعر در این سروده، بر کدام مضامین اجتماعی تأکید دارد؟

- خیانت و نامردی، به‌ویژه از سوی نزدیکان (شغاد و نابرداری)
- ستم‌دیدگی آزادگان و پهلوانان و ناکامی نیکان در جامعه
- بی‌دردی و بی‌شرمی و ریاکاری ناجوانمردان
- وفاداری و غیرتمندی (رخش و رستم) و ارزش‌های انسانی و مردانگی
- نقد بی‌عدالتی و دعوت به بیداری مردم (از زبان نقال)

این جواب ممکن است دقیق نباشد.

۴ اگر به جای شاعر بودید، این شعر را چگونه به پایان می‌رسانید؟ چرا؟

نمونه پاسخ: شعر را با امید پایان می‌دادم: «لیک... او نخواست که با نامردی نیرنگ را پاسخ دهد؛ رخس و رستم رفتند، اما نام و راه آنان در یاد مردم ماند و روزی کین‌خواهی از خیانت‌پیشگان رسید.» چون می‌خواهم خواننده در پایان، به جای ناامیدی، به پایداری انسان‌های آزاده و ماندگاری نام نیکشان فکر کند.

این جواب ممکن است دقیق نباشد.

۱ یک بار دیگر، شعر را با تأمل بر مکث‌ها و درنگ‌ها بخوانید.

هنگام خواندن، پس از واژه‌هایی مانند «آه»، «آری اکنون...»، «و می‌اندیشید» و به‌ویژه پیش از «لیک...» در پایان شعر باید مکث کرد و صدا را پایین آورد؛ زیرا این درنگ‌ها بار عاطفی، اندوه و تردید را منتقل می‌کنند.

۲ وجه اشتراک این شعر را از نظر محتوا با فصل‌های ادبیات پایداری و ادبیات حماسی بنویسید.

- با ادبیات حماسی: وجود پهلوان (رستم و رخش)، ستایش شجاعت و مردانگی، تکیه بر داستان‌های شاهنامه و ستایش ارزش‌های ملی.
- با ادبیات پایداری: ستیز با ستم و خیانت، ایستادگی و آزادی در برابر ناجوانمردی و ستایش جان‌فشانی و ایثار.



گام به گام فارسی (۳) دوازدهم - فصل هفتم

ادبیات داستانی

فهرست

۱۱۹	صفحه ۱۲۸ - کارگاه متن پژوهی (قلمرو زبانی) - معنای قبا، تعب و تجرید	۶۱
۱۲۰	صفحه ۱۲۸ - کارگاه متن پژوهی (قلمرو زبانی) - مرتب کردن بیت و نقش اجزا	۶۱
۱۲۱	صفحه ۱۲۸ - کارگاه متن پژوهی (قلمرو زبانی) - نقش های تبعی	۶۱
۱۲۲	صفحه ۱۲۸ - کارگاه متن پژوهی (قلمرو ادبی) - نماد پرندگان	۶۲
۱۲۳	صفحه ۱۲۸ - کارگاه متن پژوهی (قلمرو ادبی) - وجه شبه و آرایه ها	۶۲
۱۲۴	صفحه ۱۲۹ - کارگاه متن پژوهی (قلمرو ادبی) - تلمیح	۶۲
۱۲۵	صفحه ۱۲۹ - کارگاه متن پژوهی (قلمرو فکری) - معنی بیت	۶۳
۱۲۶	صفحه ۱۲۹ - کارگاه متن پژوهی (قلمرو فکری) - تناسب با بیتی از درس ششم	۶۳
۱۲۷	صفحه ۱۲۹ - کارگاه متن پژوهی (قلمرو فکری) - هفت وادی	۶۳
۱۲۸	صفحه ۱۲۹ - کارگاه متن پژوهی (قلمرو فکری) - تحلیل داستان با آیه و شعر	۶۴
۱۲۹	صفحه ۱۴۳ - کارگاه متن پژوهی (قلمرو زبانی) - مترادف واژه ها	۶۴
۱۳۰	صفحه ۱۴۳ - کارگاه متن پژوهی (قلمرو زبانی) - واژه های املایی	۶۴

۱۳۱ صفحه ۱۴۳۰ کارگاه متن پژوهی (قلمرو زبانی) — مفعول و مسند ۶۵

۱۳۲ صفحه ۱۴۳۰ کارگاه متن پژوهی (قلمرو زبانی) — حرف ربط (پیوند) ۶۵

۱۳۳ صفحه ۱۴۴۰ کارگاه متن پژوهی (قلمرو ادبی) — کنایه ۶۵

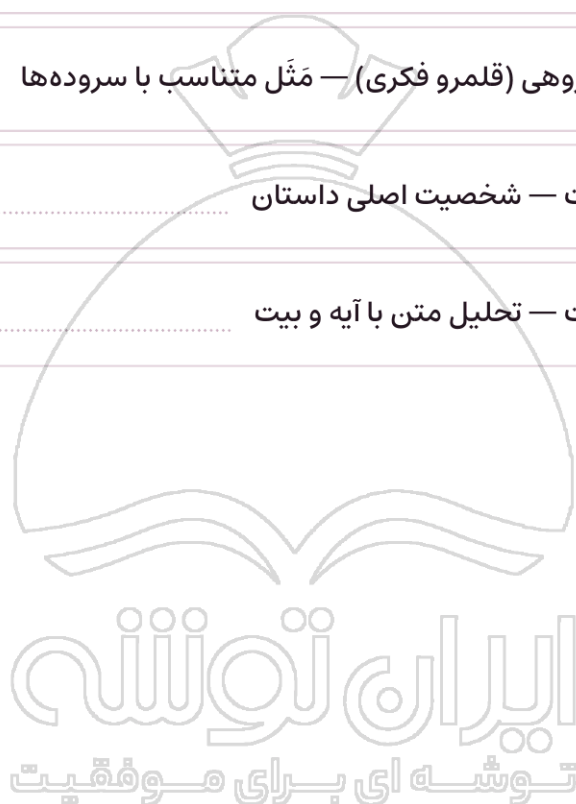
۱۳۴ صفحه ۱۴۴۰ کارگاه متن پژوهی (قلمرو ادبی) — ویژگی‌های نثر ۶۵

۱۳۵ صفحه ۱۴۴۰ کارگاه متن پژوهی (قلمرو فکری) — انتقاد فردی و اجتماعی ۶۶

۱۳۶ صفحه ۱۴۴۰ کارگاه متن پژوهی (قلمرو فکری) — مَثَل متناسب با سروده‌ها ۶۶

۱۳۷ صفحه ۱۴۹۰ درک و دریافت — شخصیت اصلی داستان ۶۷

۱۳۸ صفحه ۱۴۹۰ درک و دریافت — تحلیل متن با آیه و بیت ۶۷



۱ معنای واژه‌های «قبا»، «تعَب» و «تجرید» را با توجه به بیت‌های زیر بنویسید.
هم ماه با کلاهی، هم سرو با قبایی / سرو و مهت نخوانم، خوانم، چرا نخوانم؟ (فرخی سیستانی)
در این مقام، طرب بی‌تعَب نخواهد دید / که جای نیک و بد است این سرای پاک و پلید (سنایی)
اول تجرید شو از هر چه هست / وانگهی از خود بشو یکبار دست (اسیری لاهیجی)

- قبا: جامه بلند و جلوباز که روی لباس‌های دیگر می‌پوشیدند.
- تعَب: رنج و سختی.
- تجرید: تنها شدن و رها شدن از وابستگی‌های دنیوی؛ وارستگی.

۲ اجزای بیت زیر را طبق زبان معیار مرتب کنید؛ سپس نقش دستوری هر جزء را بنویسید.
بعد از این وادی حیرت آیدت / کارِ دائمِ درد و حسرت آیدت

- ترتیب معیار:** بعد از این، وادی حیرت برایت می‌آید؛ کارِ دائمِ تو درد و حسرت می‌شود (است).
- بعد از این: قید (متمم قیدی) زمان
 - وادی حیرت: نهاد
 - ت (در آیدت): متمم (برای تو)
 - آید: فعل
 - کارِ دائم (کارِ همیشگی): نهاد
 - درد و حسرت: مسند (با «ت» مضاف الیه/متمم)
 - آیدت: فعل (اسنادی به معنای «می‌شود»)

این جواب ممکن است دقیق نباشد.

۳ متن زیر را با توجه به «نقش‌های تبعی» بررسی کنید.
ما پرندگان را نیز پیشوا و شهریاری است. نامش سیمرغ است و در پس کوه قاف، بلندترین کوه روی زمین، بر درختی بلند آشیان دارد.

- «پرندگان»: بدل برای «ما» (توضیح‌دهنده ضمیر).
- «شهریاری»: معطوف به «پیشوا» (با حرف عطف «و»).

- «بلندترین کوه روی زمین»: بدل برای «کوه قاف».
- «بلند» در «درختی بلند»: صفت (تابع اسم) و «ش» در «نامش»: مضاف الیه.

این جواب ممکن است دقیق نباشد.

۱۲۲

صفحه ۱۲۸

کارگاه متن‌پژوهی (قلمرو ادبی)

۱ با توجه به متن درس، هر یک از پرندگان زیر نماد چه کسانی هستند؟

بلبل (.....)

باز (.....)

- بلبل: نماد عاشقانی که دل بسته زیبایی‌های زودگذر و عشق‌های مجازی‌اند و به همین سبب از سفر طلب بازمی‌مانند.
- باز: نماد کسانی که به قدرت و دربار شاهان دل بسته‌اند و برای رسیدن به حقیقت از جاه و مقام نمی‌گذرند.

۱۲۳

صفحه ۱۲۸

کارگاه متن‌پژوهی (قلمرو ادبی)

۲ «وجه شبه» را در بیت زیر مشخص کنید؛ توضیح دهید شاعر برای بیان وجه شبه از کدام آرایه‌های ادبی دیگر بهره گرفته است.

عاشق آن باشد که چون آتش بُود / گرم‌رو، سوزنده و سرکش بُود

وجه شبه: گرم‌رو (پرشور و شتابان)، سوزنده و سرکش بودن؛ عاشق به آتش مانند شده است.
 آرایه‌ها: تشبیه (عاشق ← آتش)، کنایه («گرم‌رو» کنایه از پرشور و شتابان و «سرکش» کنایه از سرپیچی از قید و بند)، تکرار واج‌های «س، ش، ر» (واج‌آرایی) و سجع / موازنه میان «گرم‌رو، سوزنده و سرکش» و هم‌قافیگی «بود / بود».

این جواب ممکن است دقیق نباشد.

۱۲۴

صفحه ۱۲۹

کارگاه متن‌پژوهی (قلمرو ادبی)

۳ درباره تلمیح به کار رفته در بیت زیر توضیح دهید.

ز نیرنگ هوا و از فریب آرز / دلت خلد است، خالی ساز از طاووس و شیطانش (خاقانی)

شاعر به داستان آدم و حوا در بهشت اشاره می‌کند: بنا بر روایت‌ها، شیطان به کمک طاووس (و مار) آدم را فریب داد و سبب بیرون رفتن او از بهشت شد. خاقانی دل انسان را «بهشت» می‌خواند و می‌گوید باید آن را از طاووس (خودبینی و غرور) و شیطان (وسوسه) پاک کرد تا بهشت بماند.

کارگاه متن‌پژوهی (قلمرو فکری)

صفحه ۱۲۹

۱۲۵

۱ معنی و مفهوم بیت زیر را به نثر روان بنویسید.

گل اگرچه هست بس صاحب جمال / حسن او در هفته‌ای گیرد زوال (عطار)

هرچند گل بسیار زیباست، زیبایی‌اش بیش از یک هفته دوام نمی‌آورد و از بین می‌رود. مفهوم: دل بستن به زیبایی‌های ناپایدار دنیا شایسته نیست.

کارگاه متن‌پژوهی (قلمرو فکری)

صفحه ۱۲۹

۱۲۶

۲ بیت زیر با کدام بیت از درس ششم مناسبت دارد؟ دلیل خود را بنویسید.

شیرمردی باید این ره را شگرف / زانکه ره دور است و دریا ژرف ژرف (عطار)

با بیت «نی حدیث راه پر خون می‌کند / قصه‌های عشق مجنون می‌کند» (مولوی)؛ زیرا هر دو به دشوار و پرخطر بودن راه عشق و طلب و نیاز به دلیری و پایداری عاشق اشاره دارند.

این جواب ممکن است دقیق نباشد.

کارگاه متن‌پژوهی (قلمرو فکری)

صفحه ۱۲۹

۱۲۷

۳ هر بیت زیر، یادآور کدام وادی از هفت وادی است؟

الف) وصلت آن کس یافت کز خود شد فنا / هر که فانی شد ز خود، مردانه‌ای است (عطار)

ب) دل چه بندی در این سرای مجاز؟ / همت پست کی رسد به فراز؟ (سنایی)

پ) چشم بگشا به گلستان و بین / جلوه آب صاف در گل و خار (هاتف اصفهانی)

- الف) وادی فقر و فنا (ششم؛ فنا شدن از خود)
- ب) وادی طلب (نخست؛ دوری از دنیا و همت بلند برای جست‌وجو)
- پ) وادی توحید (چهارم؛ دیدن یگانگی حق در همه پدیده‌ها)

این جواب ممکن است دقیق نباشد.

۴ با توجه به آیه شریفه و سروده زیر، تحلیلی کوتاه از داستان «سی مرغ و سیمرغ» ارائه دهید.

«وَفِي الْأَرْضِ آيَاتٌ لِلْمُوقِنِينَ وَ فِي أَنْفُسِكُمْ أَفَلَا تُبْصِرُونَ» (و در روی زمین برای اهل یقین، نشانه‌هایی است و در وجود شما [نیز] نشانه‌هایی است. پس چرا نمی‌بینید؟) (الذاریات / آیات ۲۰ و ۲۱)

ای نسخه نامه الهی، که تویی / وی آینه جمال شاهی، که تویی / بیرون ز تو نیست هر چه در عالم هست / در خود بطلب هر آنچه خواهی، که تویی (نجم رازی)

آیه و رباعی می‌گویند نشانه‌های خداوند هم در جهان بیرون و هم در وجود انسان است و انسان آینه جمال حق است. در داستان نیز مرغان پس از سفری دشوار و گذر از هفت وادی دریافتند که سیمرغ حقیقی خود آنان (سی مرغ) است؛ یعنی حقیقت را باید در درون خویش جست و شناخت خود، راه شناخت خداست.

این جواب ممکن است دقیق نباشد.

۱ مترادف واژه‌های زیر را بنویسید.

معهود (.....)

بحبوحه (.....)

وجنات (.....)

○ معهود: شناخته شده، آشنا، مورد توافق

○ بحبوحه: میانه و اوج هر چیز

○ وجنات: گونه‌ها، رخسارها (جمع وجنه)

۲ در هریک از بندهای پنجم و یازدهم، سه واژه مهم املائی بیابید و بنویسید.

○ بند پنجم: عاریه، ساعت شماری، آژگار

○ بند یازدهم: استیصال، مختار، قدغن

این جواب ممکن است دقیق نباشد.

۳ در عبارت زیر، «مفعول» و «مسند» را مشخص کنید.
«آثار شادی در وجناتش نمودار گردید.» گفتیم: «چرا نمی آیی بنشین؟»

- مسند: «نمودار» (فعل «گردید» اسنادی است).
- مفعول: جمله «چرا نمی آیی بنشین؟» مفعول فعل «گفتم» است.

۴ حرف ربط یا پیوند دو گونه است: الف) پیوندهای وابسته ساز ... ب) پیوندهای همپایه ساز ...
از متن درس برای کاربرد انواع حرف ربط یا پیوند (وابسته ساز - همپایه ساز) نمونه های مناسب بیابید.

- وابسته ساز: «چون دیدم به خوبی از عهده وظایف برمی آید، قلباً مسرور شدم» (چون)؛ «اگر این غاز را برای میهمان های امروز بیاوریم، برای فردا از کجا غاز می آوری؟» (اگر)؛ «چندین بار درسش را تکرار کردم تا از بر شد» (تا)؛ «این خیال را از سرت بیرون کن که محال است...» (که).
- همپایه ساز: «تو شیرینی عروسی هم به دوستان نداده ای و باید جلوشان درآیی» (و)؛ «یا باید باز یک دست دیگر خرید و یا ...» (یا)؛ «ولی معلوم بود که فکر مصطفی جای دیگر است» (ولی).

۱ مفهوم کنایه های زیر را بنویسید.

پشت دست داغ کردن:

سماق مکیدن:

چند مرده حلاج بودن:

- پشت دست داغ کردن: توبه کردن و تصمیم قطعی گرفتن برای تکرار نکردن کاری
- سماق مکیدن: ناکام ماندن و بی نصیب شدن از چیزی
- چند مرده حلاج بودن: بسیار زرنگ و کاردان بودن

۲ کدام ویژگی های نثر نویسنده، بر تأثیرگذاری داستان او افزوده است؟

- به کارگیری طنز و اغراق در توصیف شخصیت ها و رویدادها (مانند توصیف مصطفی)

- آمیختن زبان گفتاری و اصطلاحات عامیانه («خرت و پرت»، «خاک به سرم») با واژگان عربی و ادبی
- استفاده از کنایه، تشبیه، ضرب‌المثل و تلمیح
- گفت‌وگوهای زنده و طبیعی و لحن صمیمی راوی
- ساختار منسجم و پایان‌بندی غافلگیرکننده

این جواب ممکن است دقیق نباشد.

۱۳۵

صفحه ۱۴۴

کارگاه متن‌پژوهی (قلمرو فکری)

۱ نویسنده در داستان «کباب غاز» کدام رفتار فردی و اجتماعی را مورد انتقاد قرار داده است؟

رفتارهایی مانند ظاهرسازی و تشریفات‌گرایی و چشم‌وهم‌چشمی (تعهد به پذیرایی پرهزینه برای حفظ آبرو)، تعارف‌های توخالی و ریاکاری، دروغ‌گویی و فریبکاری، پرخوری و شکم‌پرستی، ارزش‌دادن به ظاهر و لاف‌زنی افراد (مانند مصطفی) و اتکا نکردن به خود و دیگران.

۱۳۶

صفحه ۱۴۴

کارگاه متن‌پژوهی (قلمرو فکری)

۲ از متن درس، مَثَل متناسب با هریک از این سروده‌های سعدی را بیابید و مقصود اصلی آنها را بیان کنید.

الف) گله‌ما را گله از گرگ نیست / کاین همه بیداد شبان می‌کند

ب) اول اندیشه کند مرد که عاقل باشد / سخن گفته دگر باز نیاید به دهن

- الف) «از ماست که بر ماست»؛ مقصود: بدبختی و آسیبی که به ما می‌رسد گاه از خطا و کوتاهی خودمان یا نگهبان و مسئول است، نه از دشمن بیرونی.
- ب) «تیری که از شست رفته باز نمی‌گردد»؛ مقصود: پیش از سخن گفتن یا انجام کار باید اندیشید، زیرا گفتار و کردار گذشته جبران‌پذیر نیست.

این جواب ممکن است دقیق نباشد.

۱ شخصیت اصلی داستان چه کسی است؟ ویژگی‌های رفتاری او را مورد بررسی قرار دهید.

شخصیت اصلی داستان «ارمیا» است. او جوانی خونسرد، شوخ‌طبع، آگاه به زبان عربی و مفاهیم قرآنی و فروتن است. در برابر خطر شجاعانه رفتار می‌کند ولی در لحظه‌های سخت دچار ترس و وهم می‌شود. به فرمانده‌اش (سهراب) احترام می‌گذارد و دستورها را بی‌درنگ اجرا می‌کند. با رفقاییش صمیمی است و از همراهی آنان آرامش می‌گیرد و در پایان نیز به خاطر شهادت سهراب غمگین می‌شود.

این جواب ممکن است دقیق نباشد.

۲ با توجه به آیه شریفه و بیت زیر، متن روان‌خوانی را تحلیل کنید.

«وَمَا رَمَيْتْ إِذْ رَمَيْتْ وَلَكِنَّ اللَّهَ رَمَى» (انفال / ۱۷)

خطی کز خرد خیزد، تو آن را از بنان بینی / ز یزدان دان، نه از ارکان، که کوته‌دیدی باشد (سنایی)

آیه می‌گوید هنگامی که تو تیر انداختی، در حقیقت تو نینداختی بلکه خدا انداخت؛ سنایی نیز می‌گوید نتیجه هر کار را باید از خدا دانست نه از اسباب و ابزار (انگشتان یا اعضا) و غیر از این دیدن، کوته‌بینی است. در داستان، سهراب پس از شنیدن آیه با ایمان و توکل به خدا موشک را شلیک می‌کند و تانک‌ها منهدم می‌شوند؛ یعنی پیروزی نه از توانایی صرف رزمنده بلکه از یاری خدا و ایمان اوست.

این جواب ممکن است دقیق نباشد.

ایران توشه
توشه‌ای برای موفقیت

گام به گام فارسی (۳) دوازدهم - فصل هشتم

ادبیات جهان

فهرست

۱۳۹	صفحه ۱۵۴۰ کارگاه متن پژوهی (قلمرو زبانی) — معادل معنایی «آخته»	۷۰
۱۴۰	صفحه ۱۵۴۰ کارگاه متن پژوهی (قلمرو زبانی) — مفهوم نشانه «ان»	۷۰
۱۴۱	صفحه ۱۵۴۰ کارگاه متن پژوهی (قلمرو ادبی) — نماد در سروده نرودا	۷۰
۱۴۲	صفحه ۱۵۵۰ کارگاه متن پژوهی (قلمرو ادبی) — آرایه های ادبی بند شعر	۷۱
۱۴۳	صفحه ۱۵۵۰ کارگاه متن پژوهی (قلمرو فکری) — درک سطرهای «خون من بر سنگفرش»	۷۱
۱۴۴	صفحه ۱۵۵۰ کارگاه متن پژوهی (قلمرو فکری) — مقایسه متن درس با شعر مشیری	۷۱
۱۴۵	صفحه ۱۵۸۰ کارگاه متن پژوهی (قلمرو زبانی) — کارکرد معنایی «صحیفه»	۷۲
۱۴۶	صفحه ۱۵۸۰ کارگاه متن پژوهی (قلمرو زبانی) — حذف فعل	۷۲
۱۴۷	صفحه ۱۵۸۰ کارگاه متن پژوهی (قلمرو ادبی) — تشخیص	۷۲
۱۴۸	صفحه ۱۵۸۰ کارگاه متن پژوهی (قلمرو ادبی) — استفهام انکاری	۷۳
۱۴۹	صفحه ۱۵۸۰ کارگاه متن پژوهی (قلمرو فکری) — ویژگی های عشق جاودانی	۷۳
۱۵۰	صفحه ۱۵۸۰ کارگاه متن پژوهی (قلمرو فکری) — تأکید در سطرهای شکسپیر	۷۳

۱۵۱ صفحه ۰۱۵۸ کارگاه متن‌پژوهی (قلمرو فکری) — ارتباط مفهومی بیت حافظ ۷۴

۱۵۲ صفحه ۰۱۶۴ درک و دریافت (روان‌خوانی: آخرین درس) — زاویه دید و شخصیت‌پردازی ۷۴

۱۵۳ صفحه ۰۱۶۴ درک و دریافت (روان‌خوانی: آخرین درس) — پاسداشت زبان فارسی ۷۴



۱ برای واژه «آخته» دو معادل معنایی بنویسید.

«آخته» به معنای **برکشیده‌شده از نیام و کشیده‌شده** است (شمشیر آخته: شمشیر برهنه و آماده نبرد). معادل‌های دیگر: بیرون‌کشیده، آماده.

۲ در زبان فارسی، «ان» یکی از نشانه‌های جمع است؛ مانند کاربرد «ان» در کلمه «یاران»؛ اما کلماتی که با «ان» همراه‌اند، گاه بر مفهوم «جمع» دلالت نمی‌کنند. به نمونه‌های زیر توجه کنید:

سحرگاهان (هنگام سحر) - دیلمان (مکان دیلم‌ها، مکان زندگی مردم دیلم) - کوهان (مانند کوه، در ترکیب کوهان شتر) - کاویان (منسوب به «کاوه») - خواهان (صفت فاعلی)

مفهوم نشانه «ان» را در واژه‌های زیر بنویسید.

بهاران (.....) خاوران (.....)
بابکان (.....) خندان (.....)

- بهاران: نشانه زمان (هنگام بهار)
- خاوران: نشانه مکان (سرزمین خاور)
- بابکان: نشانه نسبت (منسوب به بابک)
- خندان: نشانه صفت فاعلی (خنده‌کننده)

۱ این بخش از سروده «پابلو نرودا» را از نظر کاربرد «نماد» بررسی کنید.

نان را از من بگیر اگر می‌خواهی، / هوا را از من بگیر، اما / خنده‌ات را نه. / گل سرخ را از من بگیر.

- نان: نماد نیازهای مادی و معیشتی انسان.
- هوا: نماد نیازهای اساسی و ضروری برای ادامه زندگی.
- خنده: نماد عشق، شادی، امید و روحیه ایستادگی؛ شاعر آن را از همه نیازهای مادی ارزشمندتر می‌داند.
- گل سرخ: نماد عشق، زیبایی و آرمان‌های والای انسانی (آزادی و مبارزه).

۲ در این قسمت از متن درس، شاعر از کدام آرایه‌های ادبی بهره گرفته است؟
اما خنده‌ات که رها می‌شود / و پروازکنان در آسمان مرا می‌جوید / تمامی درهای زندگی را / ... به رویم می‌گشاید.

- **تشخیص (جان‌بخشی):** خنده مانند پرنده‌ای رها می‌شود، پرواز می‌کند، شاعر را می‌جوید و درها را می‌گشاید.
- **استعاره:** خنده به پرنده‌ای مانند شده است (استعاره مکنیه) و «درهای زندگی» استعاره از فرصت‌ها و امکانات زندگی است.
- **اغراق:** گشوده شدن «تمامی درهای زندگی» با یک خنده.
- **نماد:** خنده نماد امید و عشق است.

۱ درک و دریافت خود را از متن زیر بنویسید.
«و اگر دیدی، به ناگاه / خون من بر سنگفرش خیابان جاری است، / بخند؛ زیرا خنده تو / برای دستان من / شمشیری است آخته.»

شاعر در راه آرمان خود مبارزه می‌کند و آماده جانفشانی است. او از معشوق می‌خواهد اگر او را کشته شده دید، نگریان نباشد و بخندد؛ زیرا خنده معشوق (نماد امید و عشق) برای او نیرویی شکست‌ناپذیر و مانند شمشیر برهنه در دست مبارز است که به مبارزه معنا می‌دهد و راه او را زنده نگه می‌دارد. پیام: امید و شادی حتی در سخت‌ترین لحظه‌ها مایه ایستادگی است و مرگ در راه آرمان، پایان راه نیست.

۲ متن درس را با مفهوم سروده زیر مقایسه کنید.
چه خوش فرمود آن پیر خردمند / وزین خوشتر نباشد در جهان پند / اگر خونین‌دلی از جور ایام / «لب خندان بیاور چون لب جام» / به پیش اهل دل، گنجی‌ست شادی / که دستاورد بی‌رنجی‌ست شادی / به آن کس

می‌رسد زین گنج بسیار / که باشد شادمانی را سزاوار / چو گل هرجا که لبخند آفرینی / به هر سو رو کنی لبخند
بینی / به هر حالت تبسم کن، تبسم / مشو در پیچ و تاب رنج و غم، گم — فریدون مشیری

شباهت: در هر دو متن، خنده و شادی ارزشمند و نیروبخش است و باید آن را حتی در دشواری‌ها حفظ کرد. نرودا می‌گوید: «نان و هوا را از من بگیر، اما خنده‌ات را نه» و مشیری نیز توصیه می‌کند در هر حال لبخند بزنی و در رنج و غم گم نشویم.

تفاوت: در شعر نرودا، خنده بیشتر نمادی از عشق و امید در مبارزه است و گفتار عاشقانه و حماسی دارد؛ در شعر مشیری، لبخند و شادی پندی اخلاقی و اجتماعی است (لبخند به دیگران و پذیرش رنج‌ها با خوش بینی).

کارگاه متن‌پژوهی (قلمرو زبانی)

صفحه ۱۵۸

۱۴۵

۱ واژه «صحیفه» را از نظر کارکرد معنایی بررسی کنید.

«صحیفه» در اصل به معنای ورق و برگ نوشته‌شده و کتاب است. در عبارت «صحیفه شعر» به معنای دفتر یا کتاب شعر به کار رفته و با «شعر» ترکیب اضافی ساخته است؛ یعنی شاعر، عشق قدیم را مضمون و موضوع دفتر شعر خود قرار می‌دهد. این واژه عربی است و کاربردی ادبی و کهن دارد.

این جواب ممکن است دقیق نباشد.

کارگاه متن‌پژوهی (قلمرو زبانی)

صفحه ۱۵۸

۱۴۶

۲ متن درس را از نظر «حذف فعل» بررسی کنید و نوع حذف‌ها را بنویسید.

- «که تو از آن منی، و من از آن تو [هستم]» — فعل «هستم» در جمله دوم به قرینه لفظی (فعل جمله نخست) حذف شده است.
- «چه چیز تازه‌ای برای نوشتن [مانده است]» — فعل «مانده است» به قرینه لفظی (جمله پیشین) حذف شده است.
- هر دو حذف از نوع «حذف به قرینه لفظی» است (فعل حذف‌شده در جمله قبل یا بعد آمده است).

این جواب ممکن است دقیق نباشد.

کارگاه متن‌پژوهی (قلمرو ادبی)

صفحه ۱۵۸

۱۴۷

۱ دو نمونه آرایه «تشخیص» در متن بیابید.

- «عشق جاودانی همواره معشوق را جوان می‌بیند» — عشق مانند انسان می‌بیند.

- «و نه توجهی به گرد و غبار و جراحات پیری دارد» (و نه اهمیتی به چین و شکن ها می دهد) — عشق مانند انسان توجه می کند و اهمیت می دهد.
- «دست زمان» — زمان دست دارد.

کارگاه متن پژوهی (قلمرو ادبی)

صفحه ۱۵۸

۱۴۸

۲ در متن، نمونه‌ای از پرسش (استفهام) انکاری مشخص کنید.

«چه حرف تازه‌ای برای گفتن مانده است یا چه چیز تازه‌ای برای نوشتن که بتواند عشق مرا یا سجایای ارزشمند تو را بازگو کند؟» — منظور شاعر پرسش نیست؛ می‌گوید هیچ حرف و نوشته‌ی تازه‌ای باقی نمانده است. همچنین «آیا چیزی در مخیله‌ی آدمی می‌گنجد که قلم بتواند آن را بنگارد، آیا جان صادق من آن را برای تو ترسیم نکرده باشد؟» نیز استفهام انکاری است.

کارگاه متن پژوهی (قلمرو فکری)

صفحه ۱۵۸

۱۴۹

۱ شکسپیر برای عشق جاودانی، چه ویژگی‌هایی را برمی‌شمارد؟

- عشق جاودانی همواره تازه و زنده است و هر بار مانند نخستین بار بیان می‌شود.
- معشوق را همیشه جوان می‌بیند و به پیری، گرد و غبار و چین و شکن‌ها بی‌توجه است.
- با گذر زمان کهنه و کم‌رنگ نمی‌شود و به ظاهر و صورت وابسته نیست.
- تکرار می‌شود، اما تکرارش خسته‌کننده نیست («آنچه را قدیمی است، قدیمی ندانم»).
- عاشق و معشوق به یکدیگر تعلق کامل دارند («تو از آن منی و من از آن تو»).
- سخن گفتن درباره‌ی آن هرگز به پایان نمی‌رسد و زبان از بیان کامل آن ناتوان است.

توشه‌ای برای موفقیت

کارگاه متن پژوهی (قلمرو فکری)

صفحه ۱۵۸

۱۵۰

۲ در سطرهای زیر بر چه نکته‌ای تأکید شده است؟

چه حرف تازه‌ای برای گفتن مانده است یا چه چیز تازه‌ای برای نوشتن / که بتواند عشق مرا یا سجایای ارزشمند تو را بازگو کند؟

بر این نکته تأکید شده که درباره‌ی عشق همه‌چیز بارها گفته شده و سخن تازه‌ای نمانده است؛ اما عاشق راستین همان سخنان کهنه را هر بار با شور و احساس تازه می‌گوید. همچنین بر ناتوانی کلمات و قلم از بیان کامل عشق و ویژگی‌های معشوق تأکید دارد.

۳ مضمون بیت زیر از کدام بخش از سروده شکسپیر قابل دریافت است؟ حافظ: یک قصه بیش نیست غم عشق و این عجب / کز هر زبان که می‌شنوم نامکرر است

از این بخش: «هر روز باید ذکری واحد را مکرر بخوانم و آنچه را قدیمی است، قدیمی ندانم: که تو از آن منی، و من از آن تو». در هر دو متن، سخن عاشق همیشه یک چیز است (قصه عشق) و هرچند بارها تکرار می‌شود، همیشه تازه و ناتکراری به نظر می‌رسد. همچنین سطر «چه حرف تازه‌ای برای گفتن مانده است» با مضمون بیت حافظ هم‌خوان است.

۱ این متن را با توجه به زاویه دید و شخصیت‌پردازی بررسی کنید.

زاویه دید: داستان از دید «اول شخص» (من‌راوی) روایت می‌شود؛ راوی خود، شاگرد کوچکی است که در ماجرا حضور دارد و احساسات و تغییر نگرش خود را بیان می‌کند. این زاویه دید به خواننده کمک می‌کند با احساسات راوی همدلی کند.

شخصیت‌پردازی: هر دو شیوه مستقیم و غیرمستقیم به کار رفته است. شخصیت‌ها عبارت‌اند از:

- **راوی (شاگرد):** در آغاز بی‌توجه به درس و بازیگوش است، ولی با شنیدن خبر ممنوع شدن زبان ملی، پشیمان و علاقه‌مند می‌شود؛ شخصیتی پویا و متحول.
- **معلم:** مهربان، دلسوز، وطن‌دوست، صبور و مسئولیت‌شناس؛ شخصیتی ایستا که با لباس رسمی و درس پایانی، عشق خود را به زبان و میهن نشان می‌دهد (شخصیت‌پردازی غیرمستقیم با رفتار و گفتار).
- **مردم ده:** شخصیت‌های جمعی که با حضور در کلاس، پشیمانی و اندوه خود را نشان می‌دهند.

توشه ای برای موفقیت

۲ با توجه به اینکه زبان فارسی، رمز هویت ملی است، برای پاسداشت آن چه راهکارهایی را پیشنهاد می‌دهید؟

- پرهیز از به‌کاربردن واژه‌های بیگانه در گفتار و نوشتار و استفاده از معادل‌های فارسی.
- مطالعه آثار ادبی کهن و معاصر و حفظ شعر و متن‌های ارزشمند فارسی.
- رعایت دستور زبان و املا و نگارش درست، به‌ویژه در فضای مجازی و پیامک.
- آموزش درست زبان فارسی به کودکان در خانواده و مدرسه و تشویق آنان به کتاب‌خوانی.
- پشتیبانی از فرهنگستان زبان و ادب فارسی و کاربرد واژه‌های مصوب آن.

○ معرّفی و آموزش زبان فارسی و آثار ادبی ما به دیگر کشورها.

این فایل توسط سایت ایران توشه تهیه شده است.

irantooshe.ir

